

هشدار امام!

«...دعواهای ما دعوائی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



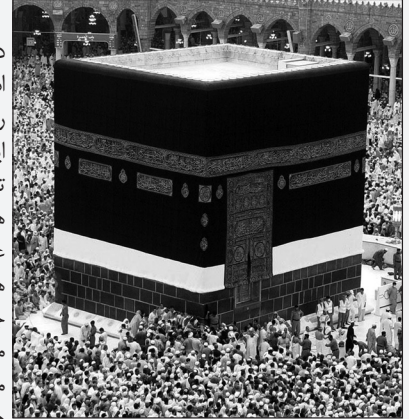
شیخ حسن
عبدالله الترابی
رهبر فکری حرکت
اسلامی سودان
استاد سید هادی
خسروشاهی



سال سی و هفتم ♦ شماره ۱ ♦ شماره مسلسل ۱۵۱۹ ♦ نیمه اول فروردین ماه ۱۳۹۵ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

آیا حج برویم یا نرویم؟

... پس از اجرای توطئه های دشمنان اسلام و وحدت امت اسلامی، بنی سعود با اعلام قطع رابطه سیاسی با جمهوری اسلامی ایران، گام دیگری در راستای تحقق اهداف دشمنان اسلام و همگامی بیشتر با دیگر سران ارتجاع عرب، برداشت و پس از آن نیز، هجمه های بیش‌رمانه ای در سطح جهانی، بر ضد نظام اسلامی، توسط مسئولین رسمی کشور یا عوامل مزدور آن، سامان داد که تاکنون نیز همچنان ادامه دارد...



در این شرایط و با توجه به نزدیک شدن ایام مراسم حج تمتع و ممانعت عملی بنی سعود از تحقق مقدمات این امر، هم اکنون این مسئله در جامعه ایران اسلامی از سوی علماء دینی و رجال سیاسی مطرح است که آیا امسال مردم ایران در مراسم حج شرکت بکنند یا نه؟ در حالیکه هنوز مسئولین رسمی کشور بنی سعود به وظایف شرعی و قانونی خود در جبران خسارت های مادی و معنوی که به حجاج ایرانی در مراسم سال قبل روا داشت، عمل نکرده و تلاش می کند که اصولاً آن فجایع را به فراموشی بسپارد.

در این شرایط و با یادآوری آن همه رذیلت ها و پلشتی ها و قتل عام های حجاج، به علت سوء مدیریت و عدم صلاحیت، آیا شرکت حجاج ایرانی در مراسم امسال - و یا مراسم عمره - به مصلحت و مجاز هست یا نه؟

یعنی: آیا عزت و حکمت و مصلحت ایجاب می کند که ایرانی ها با قبول عملی اهانت ها و پلشتی های اعراب جاهلی - که به تعبیر قرآن مجید «و اشد کفراً و نفاقاً» هستند، - در این مراسم عبادی شرکت کنند؟

... با صرف نظر از حج عمره و در آن سطح گسترده که در واقع کمک مالی به بنیه اقتصادی بنی سعود و کمک به تقویت بنیه نظامی آن برای قتل عام مردم مسلمان یمن و لشکرکشی بر ضد مردم بحرین و تقویت همه جانبه تروریست های افراطی از نوع داعش، می باشد، بدون تردید باید تعطیل گردد، زیرا که کمک عملی چندین میلیارد دلاری زائران ایرانی عمره مفرده به اقتصاد بنی سعود نمی تواند منطقی و مشروع باشد که امیدواریم مسئولین مربوطه در این زمینه فکر و اقدامی اساسی بنمایند و دین باوران ایرانی را به این سو هدایت کنند که عمره مکرره ضرورتی ندارد و زیارت عتبات عالیات در ایران و عراق و سوریه و مصر، می تواند جایگزین رفع نیازهای معنوی و عبادی آنان باشد...

اما در مورد حج تمتع امسال، به نظر می رسد که به علت عدم حصول نتایج مثبت در رابطه با مشکلاتی که بنی سعود به وجود آورد، حضور در مراسم حج امسال - آن هم به هر قیمتی - نمی تواند مورد قبول باشد. زیرا که در مواقع احتمال ضرر، اجتناب از یک امر واجب، ضروری خواهد بود.

در این رابطه نقل نامه حضرت امام خمینی (ره) به برادر بزرگوارش آیت الله سید مرتضی پسندیده می تواند راهگشا باشد:

امام خمینی (ره) خطاب به آیت الله پسندیده در نامه ای چنین می نویسد:

بسمه تعالی

برادر بزرگوارم، قربانت شوم

شما را به خدای متعال قسم می دهم به حرف های دکتر ترتیب اثر دهید. چرا موجب نگرانی همه می شوید، خداوند لازم نموده است که در مواقع احتمال ضرر، انسان از آنچه واجب است اجتناب کند، اگر چه ترک حج و صوم و صلوة باشد.

شما می خواهید موافق حکم خدا عمل کنید، کاری نکنید که خداوند - نعوذ بالله - از شما ناراضی باشد. این احتیاطات شما برخلاف شرع است و لازم است از آن اجتناب فرمایید...

والسلام

۲۲ رجب ۱۴۰۶ - ۶۵/۱/۱۳

روح الله الموسوی الخمينی

متن این نامه در جلد بیستم «صحیفه نور» آمده است. انشاء الله که تذکار و هشدار بر مؤمنان احتیاط کار باشد تا آنچه را که به مصلحت نیست، «ترک» کنند.

البته آنچه که بیان شد، به عنوان یک دیدگاه و یک تذکار است و تصمیم گیری نهایی به عهده مسئولان امر خواهد بود.

و الامر اليهم و السلام علیکم

سید هادی خسروشاهی / قم

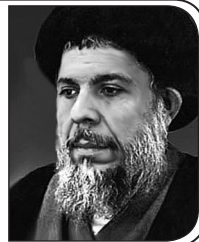
منبع: روزنامه شرق / شماره ۲۵۵۷ - سه شنبه ۲۴ فروردین ۱۳۹۵

شهید آیت الله سید محمدباقر صدر و امام سید موسی صدر

دو نابغه جامع

آیت الله محسن اراکی - دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

صفحه ۲



روایت دبیر کل
حزب الله لبنان از
حضرت آیت الله
بهجت (ره)

صفحه ۷



انتصاب
حجت الاسلام
والمسلمین رئیسی به
تولیت آستان قدس
رضوی

صفحه ۸



درگذشت آیت الله مولانا بروجردی

کتاب (صراط المستقیم در تفسیر قرآن) در چهار نوبت در تهران، مصر، لبنان و قم به چاپ رسیده و (کتاب الخاتم لوصی الخاتم) در بیروت به چاپ رسیده است.

«استاد مولانا» در سال ۱۳۴۲ در خرمآباد در مدرسه مرحوم آیت اله کمالوند منبر رفته بود که پس از منبر منزل آقای «کریم پور» میزبان ایشان بودند که توسط نیروهای امنیتی خانه محاصره شد ولی



آرئوز موفق به دستگیری ایشان نشدند. ولی پس از ده روز دستگیر و به جرم حمایت از امام خمینی قدس سره الشریف به سقر تبعید شدند.

«استاد غلامرضا مولانا» در سالی که در کویت زندگی می کردند، کویت شدیداً تحت نفوذ حکومت بعث عراق قرار داشت و برای هواداران انقلاب اسلامی پرونده های قطوری تشکیل می دادند که یکی از این پرونده ها علیه استاد بود که مهمترین مدرکی که بر علیه ایشان به آن استناد می کردند دیدار استاد و جمعی از روحانیون با امام خمینی (ره) و سخنرانی در مدرسه ایرانیان و سفارت ایران در کویت بود که منجر به اخراج استاد از کشور کویت شد.

آثار منتشر شده از ایشان :

- ۱- «الخاتم لوصی الخاتم» به زبان عربی (۱۴۰۳ق) با عنوان: (الخاتم الوصی الخاتم تفسیر آیه الولاية) چاپ بیروت
- ۲- درسهایی از توحید
- ۳- تحقیق درباره «حلیه الابرار»، نوشته سیدهاشم بحرانی (۶جلدی)
- ۴- تحقیق و تخریج کتاب شریف عبقات الانوار میر حامد حسین هندی کنهوی (۱۱ ج)
- ۵- تحقیق کتاب «حاشیه کفایه الاصول» آیت الله بروجردی (۲جلد)
- ۶- تحقیق، کتاب «محاضرات فی الدین و التاريخ و الادب» نوشته سیدجواد آل علی شاهرودی
- ۷- تحقیق کتاب «صراط المستقیم» تألیف سیدحسین بروجردی (دوره ۵ جلدی)
- ۸- «تاریخ بروجر - ج ۱» (جغرافیا-حکام وحوادث) (۱۳۵۳)
- ۹- «تاریخ بروجر - ج ۲» (دانشمندان بروجر) (۱۳۵۴)
- ۹- ترجمه منظوم (چهل حدیث از امام جواد (ع))
- ۱۰- کتاب سخنوران بروجر-جلد (۱) شاعران گذشته و معاصر بروجر
- ۱۱- دانشمندان معاصر بروجر(شرح حال نخبگان معاصر بروجر در جهان)
- ۱۲- تبلیغ اسلام و ترویج دین از طریق منبر
- ۱۳- تذیل و تخریج و غنیه الطالب فی شرح المکاسب آیه اله اردکانی
- ۱۴- المنظومه الفارسیه فی تفسیر القرآن
- ۱۵- المنظومه العربیه فی فقه اللغه الدمشقیه
- ۱۶- کشکول

آیت الله مولانا بروجردی در نیمه شب پنجشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۹۴ به دیدار حق شتافت.



علامه شهید، آیت‌الله سید محمدباقر صدر، یکی از بزرگترین اندیشمندان مسلمان و به تعبیر امام خمینی(ره): «مغز متفکر اسلامی» در شهر مقدس کاظمین دیده به جهان گشود. اجدادش همه از

عالمان دین بودند. پدرش سید حیدر در جوانی فوت کرد، پدر بزرگش آیت‌الله‌العظمی سید اسماعیل صدر از مراجع بزرگ تقلید بود و دیگر نیاکانش در ایران و لبنان و عراق، از پاسداران فرهنگ و اندیشه و دانش و دین به شمار می‌رفته‌اند.

نبوغ سید محمدباقر در کودکی چنان توجه و تعجب آموزگاران را برانگیخت که اولیای مدرسه تصمیم گرفتند او را به مدرسه تیزهوشان بگذارند تا به هزینه دولت درس بخواند و سپس به دانشگاه‌های غرب اعزام شود و در علوم جدید تحصیل کند و به کشور بازگردد؛ اما او به علوم دینی گرایش داشت و با راهنمایی دو دایی فقیه و دانشمندش به فراگیری دروس حوزوی پرداخت. دوازده ساله بود که همراه برادرش سیداسماعیل به نجف اشرف رفت و دوره عالی فقه و اصول را در نزد آیت‌الله خویی و آیت‌الله محمدرضا آل‌یاسین گذراند. فلسفه اسلامی را از مرحوم صدرا بادکوبه‌ای آموخت و در کنار آن، فلسفه غرب و نظرات فلاسفه غیر مسلمان را به دقت مورد تحقیق و نقد قرار داد. در دیگر رشته‌های علوم مثل حدیث، رجال، درایه، کلام و تفسیر نیز سالها به تحصیل و تحقیق و مطالعه گذراند و به کمال رسید.

سید محمدباقر از بیست سالگی با تدریس «کفایه الاصول»، تعلیم و تربیت طلاب جوان را آغاز کرد. از بیست و پنج سالگی به تدریس خارج اصول و از بیست و هشت سالگی به تدریس دوره خارج فقه براساس کتاب «العهود الوقتی» پرداخت. بعدها فلسفه و تفسیر قرآن نیز تدریس می‌کرد. او در طول نزدیک به سی سال تدریس و تعلیم، شاگردانی محقق، متقی و متفکر تربیت کرد که هر یک از آنها بعدها پرچمدار نشر علم و جهاد شدند و بعد از استادشان، راه او را ادامه دادند.

آیت‌الله صدر، نهضت امام خمینی(ره) در ایران را روزنه امیدی برای نجات امت اسلامی می‌دانست و از آن حمایت می‌کرد؛ چنان که با ورود امام به حوزه علمیه نجف، با اشتیاق تمام به همراه جمعی از علما در مراسم استقبال و پیشواز از ایشان هم شرکت جست و در تمام مدت اقامت امام در نجف، با ایشان ارتباط نزدیکی داشت. پس از وفات آیت‌الله حکیم، بسیاری از مردم عراق از او تقلید می‌کردند. از حوادث مهم دوران مرجعیت ایشان، حرکت اربعین سال ۱۳۹۷ق بود که دهه‌هازار نفر در قالب عزاداران حسینی، اعتراض خود را علیه رژیم بعث عراق اعلام کردند و به دنبال آن، آیت‌الله صدر دستگیر و به سازمان امنیت بغداد منتقل شد که ساعتها تحت شکنجه جسمی و روحی قرار گرفت و آثار آن شکنجه‌ها، تا آخر عمر در بدنش هویدا بود.

یکی از برنامه‌های رژیم صدام، «بعثی کردن نظام آموزش و پرورش» بود. به همه دست اندرکاران امور تعلیم و تربیت از مدارس گرفته تا دانشگاهها تکلیف کردند که به حزب بعث عراق بپیوندند؛ اما آیت‌الله صدر با صدور فتوایی، پیوستن به حزب و هر گونه همکاری با آن را تحریم کرد. این فتوا تکلیف مردم را روشن ساخت و مؤمنین از پیوستن به حزب و عضویت در آن پرهیز کردند.

مرحوم صدر از حامیان صادق انقلاب اسلامی ایران

شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر و امام سید موسی صدر

دو نابغه جامع

آیت‌الله محسن اراکی - دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی



از راست: حضرت آیت‌الله سیستانی و شهید آیت‌الله صدر و...

خیابانها بریزند که همین گونه شد و رژیم برای ایجاد آرامش و جلوگیری از گسترش اعتراض مردم، آیت‌الله صدر را آزاد کرد؛ اما محاصره خانه آیت‌الله صدر به مدت نه ماه آغاز شد، ولی او همچنان از انقلاب اسلامی و امام حمایت می‌کرد تا اینکه دوباره دستگیرش کردند و در ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ زیر شکنجه به شهادتش رساندند.

امام خمینی(ره) در پیامی که به مناسبت شهادت مظلومانه آن دو شهید داد، فرمود: «... مرحوم آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر و همشیره مکرمه مظلومه او که معلمین دانش و اخلاق و مفاخر علم و ادب بودند، به دست رژیم منحط بعث عراق با وضع دلخراشی به درجه رفیع شهادت رسیده‌اند. شهادت اثری است که امثال این شخصیت‌های عزیز از موالیان خود برده‌اند....»

آثار علمی

آثار قلمی شهید صدر، همه علمی، تحقیقی و مورد استفاده و مراجعه اندیشمندان است؛ از جمله: غایه الفکر فی علم الاصول، فلسفتنا (فلسفه ما)، اقتصادنا (اقتصاد ما)، ماذا تعرف عن الاقتصاد الاسلامی، الانسان المعاصر و المشكلة الاجتماعية، البنك الاربوی فی الاسلام، دروس فی علم الاصول، خلافة الانسان و شهادة الانبياء و...

گفتنی است که خواهرش «آمنه بنت الهدی صدر» یکی از زنان دانشمند، شاعر، نویسنده و معلم فقه و اخلاق بود که مدارسی به نام الزهرا را در شهرهای بغداد و کاظمین تحت نظر گرفت و با تأسیس یک مرکز فرهنگی در کاظمین و برگزاری جلسات فکری و مذهبی و تهیه مقالات و ایراد سخنرانی در زمینه‌های گوناگون اسلامی به ارشاد پرداخت. او در مسیر جهاد و مبارزه، با برادرش همگام شد و سرانجام هر دو به شهادت ختم گشت.

اشاره: آنچه در پی می‌آید، بخشهایی از سخنان آیت‌الله اراکی دبیر کل محترم مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به مناسبت ایام سالروز شهادت آیت‌الله سید محمدباقر صدر و خواهرش بنت‌الهدی است که در مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر ایراد شده است.

به مناسبت ایام شهادت استاد بزرگوار، نابغه و سیدالشهدای عصر، حضرت آیت‌الله‌العظمی صدر و در مؤسسه‌ای که به نام دیگر نابغه دوران و یکی از بنیان‌گذاران نهضت‌های اسلامی معاصر، حضرت آیت‌الله امام موسی صدر است، این اجتماع منعقد شده و امیدواریم بتوانیم به این مناسبت جنبه‌هایی از زندگی پربار این دو بزرگوار را تحلیل و بررسی کنیم. ان‌شاء‌الله. در ابتدا اشاره‌ای می‌کنم به یکی از ویژگی‌های این بیت که یکی از نادرترین بیوت علمی جهان تشیع است، چراکه کمتر بیتی این تعداد از نوابغ اثرگذار در تاریخ

معاصر را به جهان اسلام و تشیع تقدیم کرده است و مبالغه نیست اگر بگوییم که در دو قرن اخیر این بیت هیچ‌گاه خالی از نوابغ دست اول جهان تدین نبوده است. اهمیت و تأثیرگذاری این بیت با توجه به تحولات اخیر منطقه و بیداری کشورهای اسلامی آشکار می‌شود که نمونه آن سقوط طاغوت‌هایی همچون صدام و قذافی و اشتراک هردو در درگیری با این بیت است و این تنها یکی از نشانه‌های امتیازات این بیت در پیشگاه خداوند متعال است. لذا امیدواریم بازماندگان این خاندان مبارک بتوانند عظمت‌ها و ارزش‌های بزرگی را که به وسیله این خاندان جاودان شده است، پاسداری کنند و ما شاهد تداوم این نبوغ پربرت و بازدهی سرشار آن باشیم.

از برجستگی‌های این دو شخصیت بزرگ، جامعیت بین تعهد نسبت به اصالت‌ها و افتتاح در سایر جریان‌ها و گرایش‌هاست که جمع این دو خصلت دشوار است و ما کمتر شاهد اجتماع این دو خصلت در بین شخصیت‌های برجسته دوران معاصر بوده‌ایم. استاد شهید آیت‌الله العظمی سید محمدباقر صدر فقیه‌ی کلامی، فیلسوف و متعهد به همه اصالت‌های فکری و اصولاً خود منبع یک تفکر اصیل است. اگر ما بخواهیم در جهان معاصر شخصیت‌هایی را که منبع تفکر اصیل شیعی و اسلامی هستند، معرفی کنیم، قطعاً مرحوم آیت‌الله العظمی سید محمدباقر صدر در رأس فهرست قرار خواهند گرفت، چرا که از لحاظ فکری وقتی که ایشان وارد کلام می‌شوند، یک متکلم تمام عیار شیعی است، وقتی وارد فلسفه می‌شوند یک فیلسوف تمام عیار اسلامی است و وقتی که وارد فقه می‌شوند، یک فقیه برجسته و محقق است و زمانی که وارد اصول می‌شوند، ما باید او را بنیان‌گذار اصول و منطق معاصر بدانیم؛ یعنی آنچه مرحوم آیت‌الله العظمی صدر در فن اصول ارائه کرده است، اصولی نو است که با اصول عصر قبل قطعاً متفاوت است و به تعبیر استاد دیگر، آقای حائری: با اصولی که آیت‌الله صدر تدوین کرده است، اجتهاد معاصر رنگ دیگری به خود گرفته است و اگر بخواهیم طبق استانداردهای ایشان مجتهدان معاصر را ارزیابی کنیم، بسیاری را باید از دایره اجتهاد خارج کنیم.

البته منظور این است که آنچه استاد شهید صدر در فنّ اصول انجام داد، ابداع به تمام معناست، بالخصوص آن چیزیکه که به عنوان منطق دلالت تعبیر می‌شود و منحصر در اختیار حوزه‌های علمی ماست؛ یعنی آنچه استاد شهیدمان ارائه داد، ساختار علمی جدیدی است که منطق دلالت نامیده می‌شود، به علاوه منطق استقراء که فتح جدیدی در علم است و متأسفانه نه تنها در جهان اسلام، بلکه در حوزه‌های علمی و دانشگاه‌های داخل نیز ناشناخته مانده است. نظریه منطق استقرایی که آیت‌الله صدر ارائه کردند، منطق ارسطویی را منسوخ و منطق جدیدی را استوار کرده است. ایشان شیوه تفکر در عرصه‌های مختلف علمی را دگرگون کرده‌اند، به طوری که دستاوردهای آن نیاز به بررسی و تبیین دارد و در حالی که جا دارد دانشگاه‌ها و مراکز علمی این مهم را به عهده بگیرند، متأسفانه این آثار هنوز به فارسی ترجمه و معرفی نشده است.

از دیگر امتیازات فکری آن مرحوم سامان‌یابی و سازمان‌دهی فکری است. مرحوم صدر در هر رشته از رشته‌های فکری که وارد شده، ابداعاتی داشته است که همگی سازمان‌یافته بوده، به طوری که مجموعه‌ای به هم پیوسته و مبتنی بر اصول و منطق مشخص از آنها استنباط می‌شود. برای مثال، نه تنها در نظریه اقتصادی اسلام که ایشان مبدع آن است و نظریه سامان‌یافته‌ای را از احکام پراکنده اسلام ارائه داده است،

ادامه در صفحه بعد

تسنن در جهان اسلام و اندیشمندان و استادان و روحانیون کشورهای گوناگون اسلامی و مردم آن‌ها یکی از گام‌های اساسی او برای شناختن و شناساندن بیشتر و در نتیجه، کاستن از دشمنی و ترس‌ها و تقریب و وحدت و همکاری مسلمانان از هر مذهب است.

درهمین پیوندشجاعانه‌دعوت‌همایش‌هاوهم‌اندیشی‌های جهان اسلام از جمله مجمع البحوث الإسلامیه و ملتقى الفكر الاسلامی و دیگر همایش‌ها را می‌پذیرفت تا از آن فرصت برای تبیین اندیشه‌اصلی شیعه و کاهش دشمنی‌ها و نگرانی‌ها استفاده کند. کتاب روح تشریح در اسلام آئینه‌بسیار خوبی است برای درک شیوه گفت‌وگویی امام موسی صدر، ادبیات او و اخلاق و رفتار او از یکسو، و احترام و علاقه‌علمای اهل تسنن به او، از سوی دیگر.

اگر او را نرپوده بودند، چه بسا امروز آتش فتنه مذهبی در منطقه ما شعله‌ور نبود. ربودن امام موسی صدر و استمرار اسارت او فقط درد یا حسرت خانواده و یا شیعیان لبنان نیست، اسارت او فاجعه انسانی مستمر است که از شهریور ۱۳۵۷ تا به امروز ادامه دارد.

شاید تنها بعضی‌ها سال‌ها پیش گستره این فاجعه را درک می‌کردند. اما امروز همه دریافته‌اند که غیاب امام صدر از صحنه معادلات منطقه نه تنها بر شدت تفرقه و اختلاف افزود و دامنه دشمنی‌ها و نگرانی‌ها را گسترده‌تر کرد، بلکه امکان داد که دشمنان دیرین، آتش نهفته فتنه مذهبی را شعله‌ورتر کنند.

امروز، آنانی که امام را ربودند و آنانی که در این سال‌ها برای بازگرداندن وی سهل‌انگاری کردند و قدمی برنداشتند و آنان که برای نجات او توانا بودند و کاری نکردند، همه و همه، در هر قطره خونی که از مسلمانان ریخته می‌شود، شریک جرم قذافی‌اند و در شعله‌ور شدن فتنه‌ای که در آن مسلمانان یا مظلومانه کشته می‌شوند یا از روی جهل و تعصب وحشیانه و ظالمانه می‌کشند و سر می‌برند و زنان را در بازار می‌فروشد، سهمیم هستند. یکی از اقدامات مهم برای خنثی کردن توطئه دشمنان و کاستن از دشمنی‌های مذهبی و رسیدن به وحدت اسلامی نجات امام موسی صدر است.

که امام موسی صدر یک فقیه شیعی اصیل و پایبند به معیارهای اسلامی و شیعی خودش بود، مدّع‌الپرچمی را که برافراشت، پرچم دفاع از مظلومان و محرومان بود. خود حضرت امام(ره) در ایران به گونه‌ای عمل کردند که حتی کمونیست‌ها هم او را رهبر خودشان اعلام کردند و این همان منطق انبیای بزرگ و ائمه اطهار است و نهضت‌های اسلامی جهان باید از آن بهره‌مند شوند.

در پایان، لزوم بررسی و مطالعه سیره سیاسی این بزرگان را یادآور می‌شوم و تقاضا می‌کنم که سیره سیاسی حضرت امام خمینی(ره)، امام موسی صدر و همچنین آیت‌الله سید محمدباقر صدر بررسی و مطالعه شود، چراکه ایشان مرد فوق‌العاده‌ای بود و در آن شرایط اختناق به گونه‌ای عمل کرد که توانست نمازجمعه برپا کند و در همه شهرها به سازمان‌دهی مردم و نیروها بپردازد به طوری که حکومت صدام قادر به رویارویی مستقیم با ایشان نبود. آیت‌الله صدر مشروعیت صدام را برای همیشه زیر سؤال برد و به ملت عراق که تحت سلطه صدام رو به نابودی و مسخ‌شدگی داشت، جرئت و شجاعت داد و آن کشور را از نابودی نجات داد.

کاری که امام موسی صدر در لبنان انجام داد نیز کاری است بزرگ و شایسته تحقیق و مطالعه، که نظیرش در دنیای معاصر وجود ندارد. اینکه یک نفر از کشوری بیاید و رهبری کشور دیگری را به دست گیرد، متحول کند و جریاناتی را در منطقه پایه‌گذاری کند که تا به امروز هم تداوم و جریان دارد، البته جای تأمل و تعمق دارد. به هر حال من از فرصت استفاده می‌کنم و به اهل سیاست، اهل تحقیق و بصیرت پیشنهاد می‌کنم که در سیره سیاسی و استراتژی این بزرگواران مطالعه جدی صورت دهند.

جای خالی امام موسی صدر در منطقه بحران‌زده ما



مدیر مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدربیاداشتی با موضوع «وحدت» منتشر کرد.

خانم «حورا صدر» در این یادداشت، نه تنها امام موسی صدر را پیشگام وحدت اسلامی بلکه پیشگام گفت‌وگوی ادیان و پیشگام گفت‌وگوی میان انسان‌ها خوانده است.

متن کامل یادداشت دختر «رهبر ربوده شده شیعیان لبنان» را در زیر بخوانید:

امام موسی صدر پیشگام وحدت اسلامی است. باید به این جمله، جمله‌ای دیگر افزود: امام موسی صدر پیشگام گفت‌وگوی ادیان و بلکه پیشگام گفت‌وگوی میان انسان‌هاست، همه انسان‌ها.

هرکس کارنامه فکری و عملی امام موسی صدر را بررسی کند، پی می‌برد که چقدر جای امام موسی صدر در میان ما و در منطقه بحران‌زده ما و در جهان پرتلاطم امروز خالی است و چقدر حضور او در این ایام پرفتنه جهان اسلام می‌تواند مشکل‌گشا باشد. چقدر جامعه ما به او و اندیشه او و رفتار و روش عملی او نیاز دارد. امروزه کارشناسان امور خاورمیانه و کشورهای اسلامی امام موسی صدر را رهبری مصلح و الگوی گفت‌وگو و تقریب می‌شناسند. خوب است بررسی کنیم که چرا امام موسی صدر به چنین شناسنامه‌ای شناخته می‌شود. در این خصوص چند نکته را می‌توان برشمرد:

۱. اعتقاد عمیق قلبی و واقعی به همزیستی و وحدت اسلامی و همبستگی

براساس این اعتقاد قلبی است که امام برای ایجاد و تقویت این وحدت و همزیستی از هیچ کاری فروگذار نمی‌کند. نامه معروف او به مفتی اهل تسنن لبنان یکی از مصداق‌های بارز این باور عمیق است. امام صدر پس از تأسیس مجلس اعلای شیعیان، نامه‌ای به مفتی اهل سنت، جناب شیخ حسن خالد، می‌نویسد و ایشان را به وحدت چندجانبه میان مذاهب مختلف اسلامی دعوت و راهکارهای عملی را هم پیشنهاد می‌کند و برای تحقق این درخواست اعلام آمادگی خود را برای برداشتن گام‌های عملی به شیخ حسن خالد ابلاغ می‌کند.

امام موسی صدر از حیث نظری معتقد است که اسلام مفهومی غیر از وحدت نیست و از این رو، وحدت اسلامی را

ادامه ازصفحه قبل

بلکه در عرصه فلسفه نیز زمانی که فلسفه‌ای که در حوزه قم تدریس می‌شد (با اینکه بالاتر از فلسفه‌ای بود که در نجف تدریس می‌شد) به دست آن مرحوم رسید، تبدیل به اثر فلسفی پیوسته و سازمان یافته‌ای شد که «فلسفتنا» نام دارد و در مقایسه با اصول فلسفه و روش رئالیسم آیت‌الله طباطبایی رواج و تأثیر بیشتری پیدا کرد. با همه این اصالت‌های فکری و پایبندی به اصول و مسلمات تشیع و در کنار بحث‌هایی همچون بحث حول ولایی، بحث حول المهدی... ایشان می‌فرمایند: «مخاطبک یا ولدی السنّی و یا ولدی الشیعی...» که اهل سنّت را در کنار اهل تشیع، فرزندان خود می‌داند و آنان را ابناى عمرین الخطاب و ابناى علی می‌نامد.

لذا ایشان با منطقی به جهان اسلام می‌نگرد که مطابق آن، همه جهان اسلام را از آن خود و خود را متعلق به تمام جهان اسلام می‌داند. یعنی ایشان هیچ‌گاه در دایره مدارس شیعی محصور نشد، کما اینکه بارها گفته‌ام، درحالی که کتب شیعی در عربستان حضور نداشت و ممنوع بود، تنها کتاب «اقتصادنا»ی ایشان در کتابخانه‌های آنجا یافت می‌شد و این نشان‌دهنده آن است که تفکر ایشان توانسته است همه جا حضور یابد و سدها را بشکند؛ زیرا ایشان علی‌رغم اصالت و ابداع فکری، به طایفه و مجموعه‌ای خاص منحصر نمی‌شد. آیت‌الله العظمی صدر عراقی بود، اما هنگامی که قیام امام برپا شد در نامه‌ای به شاگردان خود نوشت: «نوبوا فی الامام خمینی کما ذاب فی الاسلام...» و اعلام کرد که: «من بعد، از مرجعیت من سخن نگویند. امروز پرچم در دست امام خمینی است و او رهبر جهان اسلام است و همه باید از این پرچم حمایت کنیم.» و

تاکتیکی برای وضعیت خاص نمی‌داند، بلکه جوهر اسلام را وحدت میان مذاهب و ادیان می‌شناسد. برای مثال در مراسم آغاز روزه مسیحیان در کلیسای کاتولیک کبوشین بیروت می‌گوید: «ادیان یکی بودند، زیرا در خدمت هدفی واحد بودند: دعوت به سوی خدا و خدمت به انسان و این دو، نمودهای حقیقتی یگانه‌اند و آنگاه که ادیان در پی خدمت به خویشان برآمدند، میانشان اختلاف بروز کرد.» کسی که چنین اعتقادی دارد و معتقد است که ادیان الهی یکی هستند، به طریق اولی به وحدت مذاهب اسلامی اعتقاد دارد. گواه این اعتقاد یکی از فرازهای نامه امام صدر به جناب شیخ حسن خالد است. او می‌نویسد: «مبانی و بنیان‌های اسلام در اساس یکی است و امت واحده نیز در عقیده و کتاب و مبدأ و معاد با هم مشترک‌اند بنابراین، چنین اشتراک گسترده‌ای اقتضا می‌کند که این امت در جزئیات نیز وحدت داشته باشند.» این دو نمونه از میان صدها سند متعدد است که نشان‌دهنده جوهر دیدگاه امام موسی صدر به وحدت ادیان و به‌ویژه، وحدت اسلامی است.

۲. تجلی همیشگی اعتقاد عمیق به وحدت در عمل و رفتار امام صدر

ایشان در همه شئونات زندگی و جامعه چندمذهبی لبنان، به‌ویژه در مقابله با مشکلات و بحران‌هایی که کشور را تهدید می‌کند، با رهبران و اندیشمندان مذاهب دیگر همفکری می‌کند و گاه همراه با آنان برای رفع مشکل و حل بحران پیشقدم می‌شود؛ گاه با آنان مشارکت می‌کند؛ گاه از رهبران مذهبی دعوت می‌کند که گرد هم آیند و هم‌اندیشی و گفت‌وگو کنند و طرحی نو دراندازند؛ گاه سازمان یا هیئت از همین رهبران تشکیل می‌دهد و دست به دست آنان حرکتی را آغاز می‌کند. یکی از درخشان‌ترین آن‌ها هیئت یاری جنوب بود که با حضور رهبران همه ادیان و مذاهب تشکیل داد و هدف آن ساختن جنوبی مقاوم در مقابل صهیونیست‌ها بود. مصداق دیگر آن جنبش محرومان است که با همفکری و هماهنگی بیش از ۱۹۹ شخصیت و صاحب‌نظر از همه ادیان و طوایف و مذاهب برای مبارزه با محرومیت و فقر و جهل و تبعیض، تأسیس شد.

۳. راهکارهای درون‌دینی برای تحقق وحدت مسلمانان

راه و روش و راهکارهای امام صدر برای رفع آثار

این روحیه کسی است که در اسلام و اهداف اسلامی فنا می‌شود و چهرانی فکر می‌کند، آنچنان که ائمه اطهار فکر می‌کردند. کما اینکه ما علوی‌تر و شیعی‌تر از علی بن ابی‌طالب نیستیم، اما ببینید ایشان چگونه رفتار می‌کرده که امروز در جهان اهل سنّت نام ایشان در کنار سایر خلفا برده می‌شود. بالاخره هرچه باشد امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به عنوان رهبر جهان اسلام معرفی و شناخته شده است و یا امام صادق علیه‌السلام چگونه رفتار می‌کرده است که در میان اهل سنّت از ایشان به عنوان «امام المسلمین» نام برده می‌شود.

حرف ما در بحث تقریب هم همین است. می‌گوییم: ما وظیفه داریم طوری عمل کنیم که جهان اسلام را داشته باشیم. با عامه مسلمین و با همه طوایف اسلامی در ارتباط باشیم، نه اینکه از مسلمات و تشیع خود دست برداریم.

وحدت لبنان

امام موسی صدر وقتی به لبنان رفت، ۲۵ سال بیشتر نداشت؛ اما چنان تحول بزرگی را ایجاد کرد که نتایج آن تا به امروز هم جریان دارد و من جمله به جنبش‌های مقاومت اسلامی و حزب الله لبنان، آزادسازی جنوب لبنان و نوار غزه و پیدایش نهضت‌های انقلابی دیگری همچون بیداری اسلامی و تحولات شمال آفریقا می‌توان اشاره کرد که همگی از دستاوردهای ایشان است که بنیان‌گذار جریان سازمان‌یافته نهضت‌های اسلامی در منطقه‌اند. فرمایش امام موسی صدر هنوز هم بر تارک جنبش‌های اسلامی منطقه می‌درخشد. سخنی که فلسفه‌اش مبتنی بر اسلام است: «آزادسازی فلسطین ممکن نیست مگر به دست انسانهای مؤمن و متعهد و پایبند به معیارها.»

مخرب اختلاف و تفرقه و نیز ایجاد تقویت وحدت اسلامی در دو بُعد شکل گرفته است:

بُعد اول در میان شیعیان است. امام صدر با توجه به جایگاهی که در میان شیعیان دارد و تأثیری که بر جوانان آنان می‌گذارد، تلاش کرده است که آنان را از تعصب و افکار ناپرخردانه دور سازد. تمام سعی او همواره بر اعتلای سطح فرهنگی و اجتماعی و دینی جامعه متمرکز بوده است و آگاه‌سازی و روشنگری را یکی از وظایف خود می‌داند. او براساس این باور خود، در مجالس و سخنرانی‌های عمومی و خصوصی به وحدت و یک‌پارچگی و وفاق دعوت می‌کند و همه را از تعصب و اختلاف برحذر می‌دارد.

او به جوانان شیعه و اعضای جنبش محرومان توصیه می‌کند که هوشیار باشند و در دام فرقه‌گرایی نیفتند و اجازه ندهند که میان آنان و پیروان ادیان و مذاهب دیگر اختلاف و کینه و فاصله و کدورت و فتنه و درگیری رخ دهد. او آنان را دعوت می‌کند که رفتارشان گشوده و منفتح باشد و با دیگر پیروان مذاهب ارتباط برقرار کنند و با آنان همکاری کنند.

بُعد دوم این راهکارها ناظر به فعالیت‌های امام در میان پیروان مذاهب دیگر است. امام صدر با توجه به اعتبار و مقبولیتی که در جهان اسلام دارد، از هر فرصتی برای همگرایی اسلامی استفاده می‌کند، بلکه فرصت‌ها را برای این امر خلق و ایجاد می‌کند. شایعات و خرافات و بدعت‌ها و نادرستی‌هایی را که به شیعه منتسب می‌شود، از چهره تشیع می‌زداید و مبانی اسلامی مذهب شیعه را تبیین می‌کند و شیعه‌هراسی و نگرانی و خشم ناشی از آن را درمان می‌کند.

اکثر دشمنی‌ها بر اثر جهل آدمی از طرف مقابل شکل می‌گیرد. به میزانی که طرف دوم را بهتر بشناسیم، دشمنی کمتر می‌شود و احتمال دوستی بیشتر. هرقدر اطلاع و شناخت ما کمتر باشد، دشمنی عمیق‌تر می‌شود و شرایط برای فتنه‌انگیزی و سوءظن و سوءتفاهم و موفقیت فتنه‌گران و وسوسه‌انگیزان فراهم‌تر می‌شود. بسیاری از فتنه‌های مذهبی ناشی از جهل طرفین از یکدیگر و سوءاستفاده دشمن هردو طرف برای آتش‌افروزی میان آن‌هاست. امام این نکته را سال‌ها پیش دریافته و برای مقابله با آن راهبرد خود را ترسیم کرده است. ارتباط نزدیک، گفت‌وگوها، همفکری و همکاری با رهبران اهل

اگر ما بخواهیم بر توان عادی و بشری خود تکیه کنیم، قطعاً مغلوبیم؛ زیرا صهیونیست‌ها از هر جهت مقتدرتر از مسلمانان و بالاخص نهضت‌های فلسطینی هستند و ما اگر بخواهیم طبق معادلات بشری به جنگ با آنها برویم، باید بدانیم که دست بالا با آنان است؛ اما آنچه امتیاز ما محسوب می‌شود و قوّت ماست و می‌تواند ما را بر صهیونیست‌ها برتری دهد، همان چیزی است که خدای متعال می‌فرماید: «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» و «من یتول الله و رسولُه والذین آمنُوا فان حزب الله هُم الغالبون» و امثالهم که شرط تحقق همه وعده‌های الهی ایمان و توکل بر خدا و یقین به وعده نصرت الهی است. کاری که امام موسی صدر در لبنان انجام داد، نه تنها بنیان‌گذاری نهضت اسلامی، بلکه اشاعه دیدگاه جامعی است که مطابق آن نهضت‌های آزادسازی می‌باید بر مبنای حرکه‌المحرومین بنا نهاده شود، و این همان منطق امام(ره) و قیام برای مستضعفان، نجات آنها و حرکه‌المحرومین است.

زمانی که صدام هنوز سقوط نکرده بود، ما به برادران عراقی می‌گفتیم شما که در عراق مبارزه می‌کنید، پرچم دفاع از مظلومان و مستضعفان را به دوش بکشید. هرچند شیعیان آنجا مظلوم هستند، مرتباً از حقوق شیعه سخن نگویند. همان‌طور که آیت‌الله محمدباقر صدر در حالی که حقوق شیعه واقعا از بین رفته بود، صرفاً بحث از حقوق شیعه را مطرح نکرد، چون حق بسیاری از سنی‌ها نیز ضایع شده بود. لذا منطق ما منطق دفاع از مظلوم است و به همین سبب است که در کنار شیعیان، سنی‌ها و مسیحی‌ها نیز خود را از اتباع امام موسی صدر می‌دانستند و او را به عنوان یک رهبر جامع و کامل قبول داشتند. این یک استراتژی دقیق و هوشمندانه است، زیرا در حالی

شیخ حسن عبدالله الترابی

رهبر فکری حرکت اسلامی سودان

استاد سید هادی خسروشاهی

عضو سازمان که در کودتا شرکت داشتند، اعدام شدند... در این مرحله بسیار خطیر و دشوار شیخ حسن ترابی به طور عملی رهبری اخوان المسلمین را به عهده گرفت و به مبارزه ادامه داد و پس از سرنگونی حکومت ژنرال عبود، ترابی با اندیشه‌های جدید و طرح نو به میدان آمد و «جبهه میثاق اسلامی» را احیاء کرد و خواستار ایجاد یک «نظام جمهوری شورایی» به جای نظام پارلمانی گردید و با همکاری **حزب امت** (صادق المهدی) و چند سازمان دیگر، به تدوین یک قانون اساسی جدید که مبتنی بر شریعت اسلامی بود پرداخت؛ اما کودتای **ژنرال جعفر نمیری** اجرای قانون جدید را غیرممکن ساخت؛ ولی دکتر ترابی علی رغم فشار از هر طرف، این بار به جای انتخاب روش مبارزه مسلحانه با رژیم جدید، راه «عمل گرایسی» و «اعتدال» را ترجیح داد و با توجه به حوادث مصر و مصالحه **انور سادات** با اخوان، نمیری هم به سیاست آشتی ملی و آزادسازی رهبری اسلام گرایان از زندان به همکاری با اخوان روی آورد. البته گروهی از اسلام‌گرایان همکاری با حکومت نمیری را نپذیرفتند و آن را نوعی «تسلیم طلبی» نامیدند، ولی دکتر ترابی درباره علت قبول همکاری با دولت نمیری گفت: «دولت فعلی تنها یک نمود بیرونی در جامعه است و دولت بعدی پس از پیدایش جامعه‌ای در مسیر اسلام، به تدریج شکل خواهد گرفت؛ یعنی هدف نهایی، تأسیس یک نظام دموکراتیک اسلامی است؛ چون دولت اسلامی بر پایه «شورا»

استوار است. در دولت بعدی و در جامعه‌ای شورایی، هر کسی حق مشارکت خواهد داشت و این موجب برطرف شدن اختلافات قومی و قبیله‌ای در سودان خواهد بود.» در واقع این تحول فکری زمینه را برای مشارکت ترابی و سازمان او در دولت آشتی ملی نمیری - ۱۹۷۷ - آماده ساخت و با بازگشت تبعیدی‌ها - مانند صادق المهدی - و همکاری گروه‌های کوچک دموکراتیک ملی و یا اسلام گرا آغاز شد؛ ولی پدیده تشکیل یک دولت و جامعه اسلامی شورایی هرگز مورد رضایت غرب و ارتجاع عرب و در رأس آنها بنی سعود قرار نگرفت و البته مشکل اساسی اسلام گرایان و در طلیعه آنها شیخ حسن ترابی هم آن بود که می‌خواستند در یک نظام سیاسی سکولار، شریعت اسلامی اجرا شود که در این ایده به رغم تظاهر نمیری به موافقت با آن، به علت ساختار سیاسی غیر دینی حکومت، عملی نبود؛ زیرا یک بخش از نظام حاکم نمی‌توانست به عنوان یک کل منسجم عمل کند و به اجرای احکام شریعت بپردازد؛ از این روی، اجرای بعضی از احکام شریعت در امور جزایی، مدنی و تجاری و اجرای سریع حدود و سختگیری‌های غیرضروری، نه تنها با موفقیت همراه نبود، بلکه باعث رنجیدگی و دوری مردم از اسلام گردید؛ زیرا که آنها به روشنی شاهد فساد رهبران اصلی نظام سکولار نمیری بودند و نمی‌توانستند بپذیرند که با اجرای چند حکم اسلامی، در یک جامعه اسلامی، زندگی می‌کنند؛ و در این شرایط هم سرانجام نمیری که از قدرت‌یابی جریان سیاسی و اخوان نگران شده بود، ضمن اعلام غیرقانونی بودن فعالیت احزاب و اسلام‌گراها، ده‌ها نفر از رهبری اخوان و هم پیمانان آن را بازداشت کرد و به زندان افکند. ترابی همچنان فعال بود و مبارزه را ادامه داد و پس از سقوط ژنرال نمیری و عدم موفقیت **ژنرال عبدالرحمن سوار الذهب** در اداره کشور، کودتای ژنرال عمرالبشیر روی داد و همانطور که اشاره کردیم،

ادامه در صفحه بعد

و مردمی، حکومتش با ناکارآمدی جدی روبرو شد، اما او با سرکوب هر نوع مخالفتی همچنان بر سر قدرت باقی ماند و در مورد جنوب سودان که اکثر مردمش را مسیحیان تشکیل می‌دهند، نخست شکل فدرالیسم یا خودمختاری را پذیرفت؛ اما توطئه تکمیل نشده بود و با توجه به نقشه قدیمی استعمار در خصوص تجزیه سودان، سرانجام البشیر برگزاری یک همه پرسی را در ژانویه ۲۰۱۱ پذیرفت و در نتیجه، سودان جنوبی اعلام استقلال کرد و یکی از بزرگترین کشورهای اسلامی در قاره آفریقا دچار تجزیه شد که یک خیانت علنی و نابخشودنی بود و عجیب آنکه البشیر با وجود ارتکاب جنایات جنگی در منطقه دارفور و محکومیت در دادگاه لاهه و صدور حکم بین‌المللی بازداشتش، همچنان بر



از چپ: حجت الاسلام مصطفی بروجردی، حسن الترابی، استاد سید هادی خسروشاهی و...

سر کار است و آزادانه به کشورهای مختلف جهان سفر می‌کند و حکم بازداشت او اجرا نمی‌شود!

سابقه جریان اسلام سیاسی در سودان

جریان اسلام سیاسی در سودان شامل گرایش‌ها و حرکت‌های مختلفی می‌گردد که عمده‌ترین آنها **حزب امت** (به رهبری صادق المهدی، نوه مهدی سودانی)، **حزب جبهه ملی** (به رهبری میرغنی، پیروان «ختمیه» یک فرقه صوفی ریشه دار) و **اخوان المسلمین** است که تاریخ پیدایش آن در سودان، به دوران نخستین تشکیل اخوان المسلمین در **مصر** بازمی‌گردد. در آن برهه **جمال‌الدین السنه‌وری، صادق عبدالله عبدالماجد و علی طالب الله** نخستین پیام رسانان اخوان المسلمین بودند که در سال ۱۹۴۶ رهسپار سودان شدند و شعبه‌هایی از سازمان اخوان را در چند شهر سامان دادند که فعالیت آن، از نظر دولت قانونی نبود؛ ولی در مراحل نخست تأسیس رسمی و قانونی سازمان در سال ۱۹۵۴، راشد الطاهر به عنوان مرشد یا المراقب العام (ناظر عام) انتخاب گردید و سپس با حضور شیخ حسن ترابی در صحنه و پیوستن وی به سازمان، اخوان در حوزه وسیعی به ویژه محافل دانشجویی و جوانان نفوذ و گسترش یافت.

در ۱۹۵۶ در برنامه اساسی منتشر شده اخوان، سازمان خواستار تشکیل یک «جمهوری اسلامی» با هدایت یک «رهبر اسلامی» شده بود که به موجب آن یک مجلس ملی مبتنی بر شریعت اسلامی تشکیل می‌گردد که اساس آن بر پایه «شورا» استوار بود و در سایه آن، آزادی‌های فردی و اجتماعی، با مراعات اصول شریعت، برای همگان فراهم می‌شد که البته این امر شامل افراد غیر مسلمان نیز می‌گردید...

در آن برهه و پس از کودتای **ژنرال عبود** در سال ۱۹۵۸، سازمان اخوان به رهبری **راشد الطاهر** برای مبارزه با فشار و سرکوب، به یک کودتای ناموفق دست زد که راشد دستگیر و زندانی شد و چند نفر از افسران جوان

آمد. فعالیت اسلام گرایان در این دوران چشمگیر بود؛ ولی نارضایتی‌های فراوان در میان اقوام و قبایل و احزاب سیاسی مختلف سودانی ادامه یافت و نظامیان جوان بر ضد دولت غیرنظامی قیام کردند و دولت حاکم سرنگون گردید. البته بعدها گفته شد که مغز متفکر این کودتا، خود دکتر ترابی بوده و به همین دلیل هم حدود ده سال تمام بر اریکه قدرت، از جمله ریاست مجلس، تکیه زد. در واقع سازمان‌های وابسته به جبهه میثاق اسلامی، با طرحی که از طرف ترابی تهیه شده بود، در سال ۱۹۸۹ کودتایی را اجرائی کردند و **ژنرال عمر حسن البشیر** را به عنوان رئیس دولت سودان انتخاب کردند که ترابی درباره اش گفت: «بشیر هدیه الهی برای ما بود!» و البته ترابی نخست در عمل، رهبری «حکومت نجات» را به عهده داشت و ژنرال بشیر، رئیس دولت رسمی بود؛ اما پس از مدتی بشیر پایه‌های حکومت خود را استحکام بخشید و با دخالت قدرت‌های منطقه‌ای، تداوم ائتلاف سیاسی میان البشیر و ترابی ناممکن گردید و ژنرال بشیر با بسیج همه جناح‌ها و شخصیت‌های مخالف سیاست‌های ترابی، با یک سلسله اقدامات غیرمنطقی گسترده، ترابی را که در واقع بشیر را به قدرت رسانده بود، از دایره قدرت دور ساخت و پس از برکناری هم، به علت ادامه فعالیت‌های سیاسی ترابی،

چندین بار او را به زندان انداخت و حتی یک بار دادگاهی در یک محاکمه قلابی، برای وی تقاضای اعدام کرد! اختلاف اصلی ترابی و بشیر، بر سر رهبری «کنگره ملی» بود که پس از برگزاری همایش سراسری اعضای کنگره رخ داد. در این همایش، کمیته‌ای برای آشتی تشکیل شد که در آن **شیخ حسن الترابی** به عنوان «دبیر کل و رئیس شورای رهبری» کشور انتخاب گردید و **ژنرال عمرالبشیر** فقط لقب رئیس افتخاری! حزب را دریافت نمود.

در واقع ترابی به این نتیجه رسیده بود که ادامه حکومت نظامیان ضرورتی ندارد و باید ورود به مرحله **اداره شورایی امور** فراهم گردد که در واقع به مفهوم پایان قدرت و اختیارات رئیس جمهوری بود و این موجب پیدایش بحران جدی در روابط بین رهبری و حاکمیت گردید؛ به ویژه که مجلس ملی سودان، تحت ریاست ترابی طرح انتخاب فرمانداران ایالت‌های کشور با آرای مستقیم مردم، نه انتصاب آنان توسط رئیس جمهوری را تصویب کرد و از سوی دیگر با اصلاح قانون سیاسی، مقرر گردید که برای اداره کشور نخست وزیری انتخاب شود تا در برابر مجلس ملی پاسخگو باشد... و عمرالبشیر که اختیاراتش عملاً محدود می‌شد با یک کودتای جدید، پارلمان را منحل نمود و وضعیت فوق‌العاده در کشور اعلام کرد و چون از ادامه همکاری دکتر ترابی و سازمان‌های وابسته به او ناامید گشته بود، به حذف کامل آنها اقدام نمود و دیکتاتوری مطلق نظامیان از نو برقرار شد.

البته یکی دیگر از علل اساسی اختلاف بین ترابی و بشیر، مسئله جنوب سودان بود. اخوان و ترابی مخالف سرسخت تجزیه کشور بودند؛ ولی پس از اجرای توطئه و حذف ترابی، ژنرال البشیر، نخست خود را مجری احکام شرع و یک «رهبر اسلامی»! نامید؛ ولی به علت فشارهای غرب و ارتجاع عرب و ضعف کامل او در دریافت مبانی شرعی و فقدان پایگاه اجتماعی

آشنایی من با شیخ حسن عبدالله الترابی، شاید به بیش از نیم قرن می‌رسد که در این مدت زمان طولانی، همواره تبادل فکری - فرهنگی فیمابین برقرار بوده و دیدارهای مفصلی هم در **انگلستان، ایران و پاکستان** با وی داشته‌ام که هر کدام به نوبه خود نتایج و آثار مثبتی در همکاری بین ایران اسلامی و سودان اسلامی داشته است.

درباره سابقه حرکت‌های اسلامی در آن کشور آفریقایی و نقش و اندیشه شیخ حسن الترابی، مطالبی در کتاب «حرکت اسلامی در سودان» (چاپ تهران، ۱۳۹۰، مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی) مطرح ساختم که علاقه مندان می‌توانند به آن مراجعه کنند و اینکه به مناسبت درگذشت این مرد بزرگ و اندیشمند، مطالب و خاطرات دیگری، مطرح می‌شود که در واقع می‌تواند تکمیل کننده مسائل مطرح شده در آن کتاب باشد.

حسن عبدالله ترابی در سال ۱۹۳۲ در «کسلا» در شرق سودان، در خانواده‌ای سرشناس و معروف به علم و دین، به دنیا آمد. پدرش یکی از مشهورترین قاضیان شرع در عصر خود بود. حسن ترابی در کودکی قرآن را به طور کامل حفظ نمود و در کنار پدر به آموختن ادبیات عرب و مقدمات علوم شرعی پرداخت و به سرعت در این رشته پیشرفت کرد و سپس به آموختن زبانهای خارجی و فلسفه و فرهنگ غربی مشغول شد.

ترابی در سال ۱۹۵۱ وارد دانشگاه خرطوم - پایتخت سودان - شد و پس از اخذ لیسانس در رشته حقوق، به انگلستان رفت و در دانشگاه لندن فوق لیسانس خود را گذراند و برای دوره دکتری به **دانشگاه سوربن پاریس** رفت. او در این دوران به تکمیل زبان‌های انگلیسی، فرانسه و آلمانی پرداخت و پس از بازگشت به سودان، به استادی در دانشگاه خرطوم منصوب گردید و مدتی نیز رئیس دانشکده حقوق دانشگاه شد و در همین برهه به سازمان «الميثاق الاسلامی» که در واقع شعبه اخوان المسلمین در سودان بود، پیوست و به سبب آشنایی با علوم و فنون جدید و تحرک در میدان سیاست، رهبری فکری حرکت اسلامی در سودان را به عهده گرفت و پس از استعفاى **الرشید الطاهر** مرشد اخوان المسلمین سودان، ترابی به جای او نشست و مدت پنج سال این سمت را به عهده داشت تا اینکه «سازمان اسلامی میثاق» جدیدی را پایه‌گذاری کرد و با «حزب الانصار» همکاری نمود؛ اما با کودتای ۱۹۶۹ **ژنرال جعفر نمیری**، جبهه «الميثاق الاسلامی» و سازمان‌های اسلامی دیگر منحل اعلام گردید و رهبران آن از جمله حسن الترابی دستگیر و زندانی شد و به مدت **هفت سال** در **زندان‌های رژیم دیکتاتوری سودان** به سر برد.

اما به علت مشکلات بی‌شمار داخلی و کودتای ناموفق کمونیست‌ها به رهبری **سرگرد عطاءالله**، ژنرال نمیری با «اسلام گرایان» کنار آمد و ترابی هم از زندان آزاد شد و حکومت وعده داد که کشور را مطابق قوانین دینی یا همان شریعت اسلامی اداره کند و در همین رابطه بود که دکتر ترابی پست وزارت دادگستری را پذیرفت تا بتواند در اجرای احکام شرعی، کمک کار حکومت باشد...

دولت نمیری آغاز اجرای احکام اسلامی را به طور رسمی در سال ۱۹۸۳ اعلام نمود، اما به علت سوء اداره و عدم توجه لازم در اجرای احکام و انحراف از مسیر واقعی، جبهه میثاق الاسلامی و گروه دکتر ترابی و یارانش، به مخالفت برخاستند و در نتیجه، ترابی برای سومین بار در دوره حکومت ژنرال نمیری به زندان افتاد! ... دولت نمیری با کودتای **ژنرال سوار الذهب** سقوط کرد و یک دولت غیرنظامی، با همکاری **الصادق المهدی** (رئیس حزب الامه) و **حسن الترابی** (رهبر الميثاق الاسلامی) و سازمان اخوان المسلمین، به وجود

ادامه از صفحه قبل

بعدها روشن گردید که مغز متفکر و طراح اصلی آن، خود ترابی و سازمان او بوده و به همین دلیل هم پس از پیروزی کودتا، به مدت ده سال شریک حکومت گردید و در واقع به عنوان رهبر فکری و معنوی نظام جدید به تحکیم و توسعه نفوذ و قدرت سازمان پرداخت که همین امر باعث نگرانی ژنرال بشیر شد و با توجه به اختلاف آرا و دیدگاه‌ها، – باز همانطور که اشاره کردیم – سرانجام دکتر ترابی و یارانش را کنار گذاشت و چندین بار هم او و یارانش را به زندان افکند.

... قبل از این حوادث و بروز اختلافات در کادر رهبری و اداری سودان، این جانب همراه با جناب حجت‌الاسلام والمسلمین **دکتر مصطفی بروجردی** – سفیر فعلی ایران در تونس – به دیدار او رفتم که به **تهران** آمده بود و به صراحت هشدار دادم که «مراقب ژنرال» باشد و ضمن اشاره به حوادث تلخ نهضت ملی ایران و نتایج اختلافات دکتر مصدق و جبهه ملی با آیت‌الله کاشانی و اسلام گرایان، یعنی رهبران واقعی نهضت، گفتم مبادا ژنرال بر ضد او قیام کند؛ ولی ترابی با حسن نیت کامل گفت: «غیر ممکن است، این مرد از فرزندان ماست» – هذا لایمکن، الرجل هو من ابنائنا – اما دیری نپایید که این فرزند ناخلف و در واقع «عمل غیر صالح» به تعبیر قرآن، برای جلب رضایت غرب و ارتجاع عرب، کودتای سفید خود را بر ضد ترابی و سازمان‌های اسلامی اجرا کرد و در مراحل بعدی هم با اخذ رشوه از بنی سعود، با آنها پیمان مودت بست و به دشمنی با ایران اسلامی پرداخت تا آنجا که تنها مرکز فرهنگی ایران را در سودان بست، و بعد دیپلمات‌های ایرانی را هم از **خرطوم** اخراج کرد و برای رضایت بنی سعود، در مسئله توطئه آتش‌سوزی سفارت عربستان در تهران، روایت خود را با ایران قطع نمود و حتی اعلام داشت: «امنیت سعودی، مقدم بر امنیت سودان است»! و هم اکنون هم مزدوران او در **یمن** همراه دژخیمان سعودی به قتل عام مردم مسلمان و بی‌دفاع مشغولند!

اخوان سودان و ایران

درباره سابقه همکاری اخوان المسلمین سودان و شخص شیخ حسن ترابی با حرکت اسلامی و مردم ایران، در اینجا فقط اشاره می‌کنم که اخوان المسلمین سودان نخست در جریان **نهضت ملی شدن صنعت نفت**، با برپایی تظاهرات عظیم خیابانی و تجمع‌های پرشکوه در دانشگاه‌ها، از نهضت و حکومت ملی ایران، به ویژه رهبری آیت‌الله کاشانی حمایت و پشتیبانی کرد که این تعاون، انعکاس وسیعی در سطح جهانی یافت. در جریانات بعدی حوادث ایران، به خصوص اعدام ناجوانمردانه **شهید نواب صفوی**، رهبری فدائیان اسلام به دست رژیم شاه، باز اخوان المسلمین سودان تظاهرات گسترده‌ای را سامان داد و با صدور بیانیه‌ای اقدام جنایتکارانه رژیم شاه را تقبیح نمود. در واقع می‌توان ادعا کرد که آنها بدون هیچ انتظار و توقعی و فقط به عنوان یک وظیفه اسلامی، همواره از مردم و نهضت اسلامی آن پشتیبانی کرده اند و در جریان انقلاب اسلامی هم این همکاری و پشتیبانی را به اوج رساندند.

... پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دکتر شیخ حسن ترابی همراه شخصیت‌ها و رهبران حرکت‌های اسلامی بلاد اسلامی دیگر، برای تبریک‌گویی به ایران آمد و به دیدار امام خمینی(ره) شتافت و پشتیبانی جبهه اسلامی سودان را از انقلاب اسلامی اعلام داشت. او در واقع تنها رهبر بلندپایه اخوان‌المسلمین بود که برای تبریک و اعلام پشتیبانی به ایران آمد و پس از آن تاریخ هم حق ملاقات و دیدار با سران بنی‌سعود را از دست داد و گویا به او اخطار کرده بودند که: «دیدار تو با امام خمینی، در واقع نوعی «بیعت» کردن بوده و دیگر جایی در جامعه عربی نداری»! اما موضع دکتر ترابی به رغم فشار فزاینده ارتجاع عرب، هرگز تغییر نیافت و در یک مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه «السفیر» چاپ بیروت که خبرنگار پرسید: **«آیا انقلاب اسلامی و اندیشه امام خمینی، دارای باز تاب و آثار مثبتی بر رشد موج بیداری اسلامی در منطقه است؟»**، گفت:

«بدون تردید همین طور است. البته بیداری اسلامی از دهها سال پیش و از هنگام اعلام آمادگی مسلمین برای مبارزه علیه استعمار آغاز شده است و مسلمان‌ها

با انقلاب‌هایی چند که شتابزده بود، علیه استعمار قیام کرده‌اند، اما این تلاش‌ها در حد مبارزه و رویارویی با عقب راندن استعمار نبوده است. با این همه، عکس‌العمل‌های مسلمین بعداً پخته‌تر شد و بیداری اسلامی در بعضی از نقاط آغاز گردید، منتهی منحصر به مسأله دعوت و ارشاد دینی بود.

انقلاب اسلامی ایران، اندیشه کار مردمی و استفاده از توده‌های مردم را به عنوان هدیه‌ای گرانبها به تجارب دعوت اسلامی در جهان اسلام عطا کرد. توده‌هایی که همواره دین در میان آنها زنده مانده است.

مسأله دوم این است که **انقلاب اسلامی ایران به حرکت‌های اسلامی آموخت که توکل بر خدا داشته باشند و بکوشند با نیروی حاکم مبارزه کنند و قدرت را در دست بگیرند و این نکته را اثبات کرد** که هرچند قدرت هیأت حاکمه و حامیان خارجی اش زیاد باشد، با توکل بر خدای متعال و توده‌های مسلمان می‌توان انحرافات را اصلاح کرد. در هر دو جنبه فوق، انقلاب اسلامی ایران الگویی گرانبها برای این مرحله از مبارزه عرضه کرده است. بی‌تردید این انقلاب، اسلام را در کل جهان بر سر زبان‌ها انداخته است. این از لحاظی مایه خیر است، چون پیام اسلام را به گوش همه جهانیان رساند؛ اما در عین حال، باعث هشیاری جهان غرب هم، در مورد خطر اسلام نسبت به آنان شد و لذا توطئه‌ها و نیرنگ‌ها علیه اسلام شروع گردید. با این همه هر جا که حق فعال تر شد، باطل هم بر تلاش خود افزوده است و این همواره در نبرد حق و باطل، برای اصلاح جهان مورد انتظار است.»

خبرنگار پرسید: «در انتفاضه فلسطین که امروز بیش از هزار روز از آغاز آن می‌گذرد، شیوه‌ای نوین اتخاذ شده که با همه روشهای قبلی در تاریخ و انقلاب فلسطین تفاوت دارد. این همان شیوهٔ کار مردمی است که در انقلاب سنگ و توسط همه افراد مردم از کودک تا سالخوردهگان جلوه یافته است. آیا می‌توان گفت که این نیز از نتایج انقلاب اسلامی است؟» ترابی گفت:

«بله، باید این نکته را یادآور شویم که عصر ما شاهد دوران پیشرفت تمدن و حضور گسترده دستگاه‌های تبلیغاتی و ارتباطی نوین است و این، به ملت‌ها نقشی بیش از گذشته می‌دهد، زیرا **امام خمینی با دید نافذ خود**، این معنا را درک کرده و از آنجا که اسلام یک دین ابدی و برای همه مردم آمده، ایشان هم این ارزش مذهبی را در چارچوب واقعیت موجود پیاده کرده است؛ لذا می‌بینیم همه جنبش‌هایی که نه تنها در جهان اسلام، بلکه حتی در اروپای شرقی که پس از آن رخ داد، حتماً از پیشرفت مادی نوین تأثیرپذیر بوده و این روش جدید را در پیش گرفته که کارآیی خود را در انقلاب اسلامی ایران به ثبوت رساند.» همزمان با این دیدارها و اظهارنظرهای رهبری اخوان سودان، که در مطبوعات کشورهای عربی و غربی انعکاس وسیعی داشت، سازمان و اتحادیه‌های دانشجویان مراکز علمی و دانشگاهی سودان هم با تشکیل اجتماعات و انتشار بیانیه‌هایی، به پشتیبانی از امام خمینی و انقلاب اسلامی پرداختند. این اتحادیه‌ها در واقع شعبه‌های دانشجویی سازمان اخوان‌المسلمین و حرکت اسلامی سودان به رهبری شیخ حسن ترابی بود. برای ثبت در تاریخ ترجمه یکی دو نمونه از بیانیه‌ها و تلگرام‌های این اتحادیه‌های دانشجویی را در اینجا نقل می‌کنیم:

«...برادر، امام آیت‌الله خمینی السلام علیکم و رحمة‌الله تعالی و برکاته و درود بر سربازان خدا که به پا خاستند، اما تن به ذلت و خواری ندادند. سلام بر ملت ایران که عهده‌دار مأموریتی شده است که در توصیف آن دست کم می‌توان گفت که روح تازه‌ای در پیکرهٔ جهان اسلام که مدتهاست در خواب غفلت به سر می‌برد، دمیده است. درود بر مؤمنان که در پیمان خود با خدا ثابت قدم ماندند، برخی به شهادت رسیدند و برخی دیگر در انتظار شهادت‌اند، از خدا مسئلت داریم مجاهدت‌های همگی شما را بپذیرد و او یاری‌دهنده شمایست.

علاوه بر دوری‌گزینی از دین، انباشته‌های دوران‌های انحطاط و سکون و اعتماد به ستمگران باعث گردید

تا دولت‌های غارتگر آشکارا ثروت‌های سرزمین‌های ما را به یغما ببرند و ما را از دین‌مان که خیر و صلاح ما در عمل به آن است، دور سازند و برای دگرگون‌سازی هویت‌مان تلاش کنند تا سرانجام ما را به صورت برده خود درآورند و در این میان، ایران در گذشته از این بابت لطمه‌ای شدید خورده است. و شاید خداوند با مجاهدت‌های شما خواسته است به ما یادآوری کند که دین ما می‌تواند امتی مجاهد برانگیزد که با ایمان خویش معجزه می‌آفریند و طاغوتیان زمین و طغیانشان را متزلزل می‌کند.

انقلاب شما ای امام، انقلاب عصر ما و پیروزی است. شما به یاری خدا بزرگان را کوچک و کوچک‌ها را بزرگ کرده‌اید که عزت از آن خدا و پیامبر و مؤمنان است. انقلاب شما وقتی به پیروزی رسید، امید به رستاخیز نزدیک را در دلهایمان زنده کرد و آنگاه که به رغم توطئه‌های دشمنان به میهن بازگشتید، ما آرزو داریم وحدت میان یک میلیارد مسلمان در جهان به تحقق برسد؛ چه، اگر این مسلمانان متحد شوند، دیگر نه در قدس و نه در افغانستان و نه در جاهای دیگر، هیچ مشکل دیگری برای مسلمانان باقی نمی‌ماند.

کمیته‌مرکزی اتحادیه‌دانشجویان دانشگاه‌خرطوم» اطلاعیه اتحادیه دانشجویان دانشگاه خرطوم پیرامون اعتصاب و راهپیمایی حمایت‌آمیز از انقلاب اسلامی ایران: **«...برادران دانشجو، خواهران دانشجو**

به اداره (آموزش) اطلاع داده شد که کلاس‌های درس از ساعت ۹ صبح تعطیل خواهد بود. بنابراین راهپیمایی پشتیبانی از انقلاب ایران – انقلاب آزادی و مقاومت و مبارزه‌طلبی – رأس ساعت ده صبح از میدان شرقی در روز اول فوریه ۱۹۷۹ به راه خواهد افتاد، و طی آن شعارهای مرگ بر شاه و نابودی خودکامگان، سر خواهد داد و آزادی ملت‌های غیور مسلمان را فریاد خواهد کرد. الله اکبر، مرگ بر خودکامگان، خیال بزذلان آسوده مباد.

کمیته‌اجرائی اتحادیه‌دانشجویان دانشگاه‌خرطوم» علاوه بر راه‌پیمایی‌های عمومی و تجمعات درون دانشگاهی و صدور بیانیه‌ها، در یکی از اعلامیه‌های اخوان در پشتیبانی پس از پیروزی انقلاب و تشکیل دولت موقت، چنین آمده است:

«ای اسام، پیروزی‌هایتان به خواست خدا موج اسلامی است، جمهوری اسلامی امید کسانی است که ندای منادی به ایمان را شنیدند و به خدای خود ایمان آوردند و مجاهدت کردند. تمام گام‌های خجسته‌تان را تأیید می‌کنیم و در انتظار برپایی جمهوری اسلامی به سر می‌بریم. حکومت موقت‌تان را تأیید می‌کنیم و از تمام حکومت‌های جهان اسلام و سازمان‌های آن درخواست داریم که همگام با موضع گیری‌های توده‌های مسلمان در کنار شما بایستند. پیروزی از آن شمایست. زنده باد ملت مجاهد ایران. ننگ و خواری بر دشمنان آن و دشمنان اسلام.

اتحادیه دانشجویان دانشگاه خرطوم» البته اینها نمونه‌هایی چند از اعلامیه‌ها و بیانیه‌های پشتیبانی سازمان‌های دانشجویی وابسته به سازمان دکتر شیخ حسن الترابی است و شیخ حسن، علی رغم توطئه‌ها و انتشار اکاذیب از قول وی، همچنان به انقلاب اسلامی وفادار ماند و در راه اهداف آن با تمام توان تلاش نمود.

دعوت برای کنفرانس جبهه اسلامی – قومی ... در سایه روابط فرهنگی مستمر، دکتر حسن ترابی به عنوان دبیر کل «المؤتمر الشعبی القومي الاسلامی» به مناسبت‌های مختلف از این جانب برای حضور در سودان و شرکت در المؤتمر الاسلامی العام دعوت به عمل می‌آورد که در یکی دو مورد، به علت عدم توفیق حضور، از طریق «مکاتبه» به پیگیری امر پرداختم که از لحاظ تاریخی اشاره به یک نمونه آن، – که مربوط به دومین کنفرانس عام بود و من موفق به شرکت در آن نشدم – بی‌مناسبت نخواهد بود.

بسم الله الرحمن الرحيم

الجهیة الاسلامیة القومیة
الامین العام
تاریخ ۱۴۰۸/۲/۲۱ هـ
۱۹۸۸/۱/۱۰ م
برادر ارجمند **السید هادی خسروشاهی** مشاور

سیاسی – اجتماعی – فرهنگی

بشش	◀ شماره ۱ ◀ شماره مسلسل ۱۵۱۹ ◀ نیمه اول فروردین ۱۳۹۵ پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com
------------	--

وزیر خارجه

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

برای تحکیم روابط و تکمیل تجربه‌ها و مبادله آگاهی‌ها، خوشوقت هستم که از شما برای حضور در دومین مؤتمر عام جبهه اسلامی – قومی، دعوت کنم که از تاریخ پنجشنبه ۲۵ جمادی الاولی ۱۴۰۸ هـ مطابق ۱۴ دسامبر ۱۹۸۸ م تا روز شنبه ۲۷ جمادی‌الاولی ۱۴۰۸ هـ مطابق با ۱۶ دسامبر ۱۹۸۸ م در خرطوم، منعقد خواهد شد.

جلسات مؤتمر پنجشنبه ساعت ۶ بعد از ظهر آغاز و برنامه تا شب شنبه ادامه می‌یابد.

چون مدیریت مؤتمر، مسئول استقبال از شما است و ترتیب پذیرایی به عهده آنست، انتظار دارد تاریخ وصول به فرودگاه خرطوم را اعلام دارید.

با صادقانه‌ترین آرزوها و دعاوی ما برای شما، در راه استواری و توفیق.

دکتر حسن عبدالله الترابی

– دبیر کل –

«سماحة الاستاذ، الأخ الدكتور حسن الترابی المحترم السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

دعوت شما از اینجانب برای شرکت در مؤتمر عام دوم جبهه اسلامی، متأسفانه وقتی به دست من رسید که در لندن مشغول معالجه بودم. بدینوسیله ضمن تشکر از ارسال دعوت، از اینکه نتوانستم در مؤتمر شرکت کنم عذرخواهی می‌کنم و از خدای بزرگ برای شما و جبهه اسلامی و ملت برادر سودان، درخواست توفیق خدمت می‌کنم و امیدوارم که روابط برادرانه فیما بین ما و شما، علی رغم توطئه‌های دشمنان اسلام به ویژه **ارتجاع عرب**، همچنان استوار و مستحکم باقی بماند.

فرصت را مغتنم شمرده به واجب اخوت اسلامی که نصیح برادر مسلمان است، عمل کرده و دو نکته را یادآور می‌شوم:

۱- حجت‌الاسلام و المسلمین سید مهدی حکیم از علمای معروف عراق به هر حال میهمان شما و ملت سودان بود و متأسفانه دشمنان اسلام از حسن سلوک و اخلاق مردم سودان سوءاستفاده کرده، ایشان را در ملأ عام ترور کردند و البته این آرزوی همه ما است که عاقبت زندگی ما شهادت در راه خدا باشد و طوبی له... اما این امر از وظیفه شرعی و اخلاقی شما در قبال تعقیب و توقیف و قصاص عاملان این جنایت نمی‌کاهد.

مردم مسلمان ایران و مردم مظلوم عراق انتظار دارند به هر نحوی که مقدور و ممکن است در مورد افشای عاملین جنایت و محرکین آن، بدون ملاحظات روش‌های دیپلماسی اقدام لازم را به عمل آورید.

۲- در مجله التضامن، در مصاحبه‌ای منسوب به شما، حجاج بی سلاح ایرانی مسئول حوادث خونین قتل‌عام حجاج در مکه مکرمه معرفی شده‌اند. ما امیدواریم که نقل این جملات از شما صحت نداشته باشد و به همین دلیل همچنان انتظار می‌رود که کذب بودن جملات منسوب به شما را طی بیانیه یا مصاحبه‌ای، اعلام فرمایید و در غیر این صورت و بی‌تردید شما برادر مسلمان، در یوم الجزاء، در رابطه با این شهادت خلاف واقع، عذائ‌الله سخت مورد سؤال خواهید بود.

کلیه اسناد و اقلام موجود نشان می‌دهد که پلیس آل سعود، حجاج بی سلاح را در حرم امن الهی و در حین اعلام برائت از کفار و مشرکین، قتل عام کرده اند... و جای تعجب خواهد بود که برادر مسلمانی، خلاف این امر را بیان دارد.

از خدای بزرگ سلامتی و توفیق روزافزون شما را خواستارم. با سلام و درود به همه برادرانی که در کنار شما، در جبهه اسلامی، به خدمت خدا و خلق خدا مشغولند. و السلام علیکم اولاً و آخراً

اخوکم فی الله

سیدهادی خسروشاهی»

ادامه در صفحه بعد

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی
۶ بهشت
شماره ۱
شماره مسلسل ۱۵۱۹
یادمان
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

ادامه از صفحه قبل

ارسال این نامه و تذکار یکی دو نکته موجب شد که شیخ حسن ترابی، طی نامه‌ای رسمی به اینجانب، به توضیح امر بپردازد که ترجمه متن کامل آن چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الجهة الاسلامية القومية الخرطوم

دبیر کل

محضر برادر عزیز استاد **سید هادی خسروشاهی** السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

برادر عزیز از شما که به علت عدم تمکن از حضور در مؤتمر عام دوم جبهه اسلامی - قومی، معذرت خواسته اید، سپاسگزارم و به خدا پناه می‌برم اگر فکر کرده باشیم که شما از مؤتمر به خاطر مراعات دیگر، دوری می‌جوید... و همین طور تشکر می‌کنم که با اظهارات خود، به وظیفه نصیحت که مورد تأکید و احترام دین استوار ما است، عمل کرده اید.

دوست دارم که به طور خلاصه به آنچه که در نامه شما، در این رابطه آمده است، برای روشن شدن امور و تکمیل نصیحت، اشارهای داشته باشم.

اولاً: در ارتباط با مسئله شهید حکیم، دوست دارم به شما اطلاع دهم که مسئله هم‌اکنون - همانطور که می‌دانید - در دست مسئولین رسمی است که در پی تحقیق برای شناخت جنایتکاران است و شاید اطلاع دارید که آنها نخست اتهام را متوجه ما کردند و در انتظار اجازه برای پیشرفت - تحقیق - هستند و ترجیح می‌دهند با مخفی‌کاری عمل کنند و از آنجایی که ما از دولت و سازمان‌های آن، به عنوان گروه اپوزیسیون، دور هستیم، ما به موقع از آنها خواسته‌ایم که پیگیری جدی و هدفمند و بدون هیچ گونه سهل‌انگاری و کوتاهی انجام پذیرد.

ثانیاً: روزنامه‌های بسیاری در داخل و خارج، از من و یا درباره من مطالبی منتشر می‌سازند و به علت آمار و تعداد بسیار آن، روش من آن نیست که همه آنها را پیگیری کنم، به بند ویژه اگر کسی مطالب مرا بررسی کند در یک بینش بدون غرض، شفاف بودن آنها را به وضوح در می‌یابد. و به هر حال، من از شما تشکر می‌کنم به خاطر حسن ظنی که در این رابطه دارید.

ثالثاً: در مسئله حج، بدون آنکه قضاوتی درباره حقیقت داشته باشم و یا به ابعاد سیاسی مسئله بپردازم، تأکید می‌کنم معیارها را باید مراعات نمود - بدون رفت و فسوق و جدال - چون مسلمانان به طور یکسان و بدون برخورد و نفرت به حج مشغول هستند، در حالی که برای آنها، از علائق وحدت، به غیر از حج، چیز زیادی باقی نمانده است.

در پایان از خداوند متعال می‌خواهیم که قلوب مسلمانان را نزدیک هم سازد و آنها را در امر خیر هم‌آهنگ نماید و همه ما را به آنچه که دوست دارد و به آن راضی است، موفق بگرداند.

برادر شما

حسن‌الترابی

پاسخ دکتر ترابی به نامه من کاملاً روشن و گویا است، اما برای روشن تر شدن مسئله شهادت آیت الله سید مهدی حکیم که برای شرکت در مؤتمر عام اسلامی، به سودان رفته بود و در هتلی در خرطوم ترور شد و به شهادت رسید، توضیحی دیگر و کاملتر بی‌مناسبت نخواهد بود.

ماجرای شهادت آیت الله سید مهدی حکیم، در سودان

دکتر کلیم صدیقی، مدیر مؤسسه اسلامی لندن، یک سمینار بین المللی تحت عنوان: «درباره آینده حرمین - مکه و مدینه -» در تاریخ ژانویه ۱۹۸۸ - ۱۶ دی ماه ۱۳۶۶ - در لندن برگزار کرده بود که در آن بیش از سیصد نفر از علماء و اندیشمندان و شخصیت‌های برجسته و فعال در نهضت‌های اسلامی، از تمام نقاط دنیا شرکت کرده بودند و از ایران، متأسفانه دعوت شدگان به علت عدم دریافت به موقع ویزا، نتوانستند در آن حضور یابند

و فقط اینجانب که عضو هیئت علمی مؤسسه اسلامی لندن بودم و به موقع هم از طریق وزارت امور خارجه اقدام کرده بودم، توانستم ویزا بگیرم و در آن سمینار شرکت کنم و اتفاقاً از جمله معدود شرکت کنندگانی بودم که نوبت سخنرانی یافتم... (شرح این سمینار و متن قطename بسیار ارزنده آن، همان ایام در روزنامه «اطلاعات» منتشر گردید و نیز در کتاب: «نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران» - مجموعه مقالات و بحث‌های مرحوم کلیم صدیقی - هم آن را آورده ام).

اتفاقاً همزمان دعوت نامه‌ای هم از شیخ حسن ترابی، رئیس «المؤتمر الشعبی العربی و الاسلامی» رسیده بود که برای حضور در کنفرانس بین المللی آن که در سودان برگزار می‌شد، به «خرطوم» بروم... روز دوم سمینار حج، موضوع را به عنوان یک خبر در سر میز نهار که آیت الله سید مهدی حکیم، دکتر کلیم صدیقی، دکتر محمد سعید شهابی (مدیر مجله العالم) حضور داشتند، مطرح کردم و گفتم که به علت کسالت برایم مقدور نخواهد بود به این سفر بروم... آیت الله حکیم گفت: من حاضرم بروم تا هم یک عالم شیعی در این کنفرانس مهم بین المللی حضور داشته باشد که برای تقریب بین مذاهب اسلامی سودمند است و هم بتوانم در آن مجمع که می‌گویید از ۵۰ کشور جهان نمایندگانی حضور خواهند داشت، مسئله عراق و گرفتاری‌های مردم آن به ویژه شیعیان را مطرح سازم که توسط بعضی‌ها چه ستم‌هایی بر مردم آن وارد می‌شود! من گفتم: بدون دعوت نامه رسمی از جنابعالی شاید صحیح نباشدکه به سودان بروید، چون حضور در مؤتمر و ایراد سخنرانی، نیاز به دعوت نامه رسمی دارد!

آیت الله حکیم خندید و به شوخی گفت به عنوان نماینده شما، با استفاده از دعوت نامه شما می‌روم...!

... پس از اظهار تمایل ایشان بر ضرورت سفر، قرار شد دکتر سعید شهابی (حفظه الله) که بحرینی الاصل و مقیم لندن است با سفارت سودان در لندن تماس بگیرد تا دعوت نامه‌ای به نام آیت الله حکیم و یک نفر همراه - دکتر عبدالوهاب حکیم - صادر و به نماینده ایشان تحویل دهند... اما مسئول سفارت پاسخ داد که صدور دعوت نامه بدون مجوز مؤتمر، مقدور نیست... ولی آیت الله حکیم به دکتر سعید گفت که با «خرطوم» تماس بگیرد تا هر چه زودتر مجوز صدور دعوت نامه و ویزا را به نمایندگی خود در لندن بفرستند!

... پس از پی گیری‌های مکرر دکتر سعید و اصرار آیت الله حکیم، سرانجام ایشان همراه یکی از منسوبین خود رهسپار خرطوم شدند... و در آنجا، با استقبال گرم مسئولین مؤتمر روبه رو گردید. ولی به جای سکونت در هتلی که دیگر میهمانان مؤتمر اسکان یافته بودند، آیت الله حکیم و همراهش به هتلی که خود از قبل رزرو کرده بودند، رفتند که اتفاقاً یک هیئت بلندپایه عراقی هم در آن هتل اقامت داشتند. آیت الله حکیم پس از چند ملاقات با شخصیت‌های سودانی که انجام آنها با همکاری مسئولین مؤتمر تحقق یافته بود، سرانجام به دیدار شیخ حسن ترابی - دبیر کل مؤتمر، در منزل شخصی وی - رفت که بعد از این ملاقات دو ساعته و ثمربخش، ایشان عازم هتل خود گردید.

البته مسئولین مؤتمر به ایشان یادآور شده بودند که چون هیتتی از عراق در آن هتل سکونت دارند، بهتر است که با تغییر لباس، برای شناخته نشدن، رفت و آمد کنند که گویا توجهی به این **تذکار** نشده بود...

آیت الله حکیم پس از مراجعت از بیت ترابی، با همراه خود در لابی هتل نشسته بودند که دو سه نفر، از یک ماشین با نمره سیاسی پیاده و بدون بازرسی پلیس، وارد سالن شده و بلافاصله ایشان را به رگبار می‌بندند که ایشان همانجا به شهادت می‌رسد و آقای عبدالوهاب، همراه آیت الله حکیم، هم به شدت مجروح می‌گردد که به بیمارستان منتقل می‌شود.

این حادثه تلخ و ناگوار، موجب شد که مخالفان المؤتمر و شیخ حسن ترابی، آنان را متهم سازند که اصول امنیتی را در مورد میهمان خود مراعات نکرده اند و او بدون محافظ به هتل بازگشته است!

وقوع حادثه در سطح وسیعی منعکس گردید و بعضی از دوستان عراقی ما در لندن هم سازمان دکتر ترابی را در حدوث این اتفاق تلخ مقصر دانستند که همین اتهامات، موجب گردید که من در نامه خود از دکتر ترابی

بخواهم که خود و مؤتمر قضیه را به عنوان یک وظیفه پی گیری و جنایتکاران را تحویل عدالت بدهند که در پاسخ خود به این موضوع می‌پردازد.

... در دیدار با شیخ حسن ترابی در «اسلام آباد» که برای حضور در مؤتمر وحدة المسلمین، آمده بود، وی کپی «ملف کامل» - یا پرونده مربوط به شهید آیت الله حکیم - را با خود آورده بود که به اینجانب تحویل داد که در آن، تمامی موارد مربوط به عدم دعوت و اصرار بر عدم حضور و سرانجام سفر آیت الله حکیم و استقبال رسمی از ایشان و ملاقات‌ها و برخوردهای محترمانه منعکس شده است... ولی دکتر ترابی همانطور که در نامه خود نوشته بود، مجدداً یادآور شد که رسیدگی به موضوع و پرونده در اختیار مؤتمر الشعبی نیست بلکه وزارت داخله که در حفاظت از ایشان کوتاهی به عمل آورده، مسئول است و اکنون هم در پاسخ به ما می‌گویند که موضوع تحت بررسی و رسیدگی است... در بررسی مسائل پشت پرده روشن گردید که حضور آیت الله حکیم در سودان همزمان با حضور یک هیئت عالی‌رتبه عراقی، به «صدام» گزارش می‌شود و «بغداد» دستور ترور وی را که یکی از سرسخت ترین مخالفین رژیم بعثی بود و غیایا هم در دادگاه صدامی حکم «اعدام» او صادر شده بود، ابلاغ می‌کند که توسط مزدوران جنایتکار بعثی اجرا می‌شود و آنها که با اتومبیل دیپلماتیک سفارت عراق به محل آمده بودند، پس از ارتکاب جنایت هم با همان ماشین، محل را ترک نموده اند...

در واقع ماجرا از حیظه اختیار دکتر ترابی و مؤتمر خارج شده و در اختیار دولت سودان که روابط حسنه و تنگاتنگی با رژیم بعثی صدام داشت قرار می‌گیرد و دولت با توجه به دشمنی با دکتر ترابی، برای آنکه او را در معرض اتهام «توطئه برای ترور!» قرار دهد، مسئله را به طور جدی پی گیری نمی‌کند و اجازه شهید، به ایران منتقل و در قم تشییع و به خاک سپرده می‌شود.

در کپی پرونده‌ای که دکتر ترابی در اسلام آباد به اینجانب داد، چگونگی تمام جزئیات اقدامات سفارت سودان در لندن و تلکس‌های ارسالی از خرطوم و ضرورت عدم شرکت و حضور آیت الله حکیم به دلایل امنیتی، آمده است که دقت در آن هرگونه اتهام بی اساس را در رابطه با همکاری!! دکتر ترابی در وقوع حادثه، رد می‌کند. به ویژه که در آن برهه آقای دکتر ترابی رابطه‌ای با دولت نداشت و جزء اپوزیسیون محسوب می‌شد، ولی دشمنان او، چون این اتفاق پس از خروج از منزل وی و رفتن به هتل، همزمان رخ داده بود سعی کردند که از فرصت سوء استفاده کرده و اسلام گرایان و شخص دبیر کل مؤتمر را در معرض اتهام قرار دهند که بی تردید از اساس کذب محض بود.

دیدار در اسلام آباد

... مهندس **ابراهیم صلاح** از اخوان بین‌الملل، از «برن» سوئیس زنگ زد که سالم عزام مایل است با شما ملاقات کند. **سالم عزام** از یک خانواده سرشناس و اصیل مصری بود که گرایش اسلامی داشت ولی در احزاب و سازمانهای خاص جای نمی‌گرفت و در انگلستان به فعالیت‌های فرهنگی - اسلامی می‌پرداخت. وی در لندن مرا به صرف ناهار در منزل خود، دعوت نمود که ابراهیم صلاح هم از **برن** آمد. این نخستین دیدار من با او بود. سالم که فردی فرهیخته، اسلام‌شناس و آشنا با مسائل جهان اسلام و مشکلات آن شناخته می‌شد، هدف از این دیدار را مشورت در تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی اسلامی اعلام کرد که فقط با حضور شخصیت‌ها و علما و رهبران حرکت‌های اسلامی و منهای نمایندگان دولت‌ها، تشکیل شود و به مسئله جنگ عراق با ایران، از منظر اسلامی، نه تعصب قومی و طایفه‌ای بپردازد. پرسش او این بود که: «آیا ایران حاضر است نماینده‌ای به این مؤتمر، در این سطح، اعزام کند؟ و اینکه محل اجلاس، کدام کشور باشد؟ آیا لندن مناسب است؟».

من در پاسخ گفتم: چون کنفرانس دولتی نیست، من می‌توانم بگویم که حتماً نماینده‌ای از ایران شرکت می‌کند و البته اگر دولتی بود، می‌بایست که با مرکز تماس بگیرم... اما لندن یا پایتخت هر کشور اروپایی دیگر اصلاً صلاح نیست، چون رسیدگی به امور مسلمانان، باید در پایتخت یک کشور اسلامی انجام

پذیرد... و «اسلامبول» یا «اسلام آباد» را پیشنهاد کردم که ایشان به دلایلی **اسلام آباد** را ترجیح داد. مقدمات امور و دعوت‌ها به عهده ایشان بود و کنفرانس در موقع معین در اسلام آباد تشکیل شد و تقریباً می‌توان گفت که علاوه بر شخصیت‌های فکری، فرهنگی، علمی و دینی جهان اسلام، رهبران همه حرکت‌های اسلامی معاصر از همه کشورهای اسلامی عربی، آسیایی، آفریقایی و... در آن حضور داشتند... شیخ الازهر، حامد ابوالنصر (مرشد اخوان)، شیخ عمر عبدالرحمن (مفتی جهادی‌های مصر)، شیخ سعید شعبان، قاضی احمد حسین، عدنان سعدالدین (از اخوان سوریه)، نجم‌الدین اربکان(رئیس حزب رفاه ترکیه)، رهبران حرکت‌های جهادی افغانستان (حکمتیار، شهید برهان‌الدین ربانی، شهید شیخ منصور، قاضی محمد امین وقاد، جزولی دفع الله)، صادق عبدالله عبدالماجد، سوارالذهب و شیخ حسن الترابی از سودان و دهها شخصیت دیگر از همه بلاد اسلامی که جمع کردن آن همه افراد برجسته جهان اسلام در زیر یک سقف و برای امری پیچیده، کار آسانی نبود و شاید بتوان گفت که این کار تکرارشدنی نخواهد بود.

از ایران هم **آیت الله محمدعلی تسخیری** و این جانب شرکت داشتیم و آقای البرزی از وزارت امور خارجه - بدون ذکر سمت - در مؤتمر حضور داشت. موضوع اصلی بحث، مسئله **جنگ عراق علیه ایران** بود و سخنرانان، هر کدام دیدگاه خود را بیان داشتند و در پایان، برای **نخستین بار**، در قطename‌ای که با اتفاق آرا تصویب شد، **عراق به عنوان متجاوز** معرفی گردید و از ایران درخواست شد که با «بخشش اسلامی» صلح را بپذیرد! نقل داستان و مسائل مطرح شده و یا متن قطename با تصویب دهها شخصیت برجسته جهان اسلام، فرصت دیگری می‌طلبد و من البته گزارشی در همان زمان به وزارت متبوع وقت (وزارت امور خارجه) ارسال کردم؛ ولی آنچه در اینجا نقل آن مناسبت دارد، دیدار مفصل و مکرر با دکتر **شیخ حسن ترابی**، به عنوان مسئول اول حرکت اسلامی سودان بود. دکتر ترابی درد دل‌های بسیاری داشت و مسائل گوناگونی را مطرح ساخت و از کم‌کاری جمهوری اسلامی در سودان گله مند بود!

او در مورد شهادت **آیت‌الله سید مهدی حکیم** در خرطوم، ضمن اظهار تأسف زیاد، کپی پرونده چگونگی حضور ایشان در سودان را به این جانب داد و توضیح داد که اصحاب المؤتمر با کمال احترام از ایشان استقبال کردند و افزود که اصولاً با توجه به شرایط امنیتی سودان، حضور ایشان صلاح نبود؛ ولی پس از حضور در خرطوم، دیدارهایی با شخصیت‌های مختلف با همکاری المؤتر انجام گرفت و سپس متأسفانه بر اثر قصور یا تقصیر پلیس و مسئولان امنیتی وزارت کشور، ایشان در مدخل **هتل هیلتون** به شهادت رسید... دکتر ترابی، سفارت ایران در سودان را غیرفعال نامید تا آنجا که گفت: این سفارت خبر تحریف شده روزنامه «الهدف» ارگان **حزب بعث سودان** را درباره مصاحبه تحریف شده من و یا «میلیونر بودن شهید» را به عنوان خبر روزنامه ما: «الجهجه»، به تهران گزارش کرد که این در عالم دیپلماتیک آثار منفی دارد و البته ناشی از عدم کارایی است و ایران باید سفارت خود را در سودان تجهیز نماید و عناصر فعال‌تری را اعزام کند.

دکتر ترابی گفت: ما به وابسته فرهنگی ایران میدان دادیم تا اهداف انقلاب اسلامی و حقیقت تشیع و شیعه را به عنوان یکی از مذاهب فقهی اسلام، در کنار مذاهب چهارگانه ما روشن سازد، البته نه برای شیعه‌کردن مردم سودان... ما فضا را برای فعالیت جنبش‌های جهادی مانند **حماس** و **جهاد اسلامی** باز گذاشتیم و در حد توان خود به آنها کمک کردیم. ما با اعزام سربازها و نیروهای سودان برای کمک به عراق در جنگ با ایران، سخت مخالفت نمودیم، گرچه مسئولان نظامی و دولت در مواردی تخلف کردند.

ترابی سپس به عنوان مطلبی «محرمانه» گفت: حکومت بعث عراق برای تقویت عملی حزب بعث سودان و آماده سازی زمینهٔ اعزام سربازان سودانی به عراق و به بهانه کمک به دولت، ۲۹ پرواز مستقیم از بغداد با ۱۵۰۰ تن سلاح برای رهایی شهر **کرمک** به سودان فرستاد

ادامه در صفحه بعد

روایت دبیرکل حزب الله لبنان از حضرت آیت الله بهجت(ره)

عصر شیعه : سید حسن نصرالله در گفت و گوئی که از شبکه المنار لبنان پخش شد، از توصیه مؤکد آیت الله بهجت به وی درباره دبیرکلی و تأکید ایشان بر پیروزی مقاومت در نبرد با دشمن صهیونیستی سخن گفت.

وی با بیان این که ما از همان ابتدا شیفته حضرت امام خمینی (ره) و متعهد به انقلاب اسلامی بودیم، گفت: هرگاه به ایران می رفتیم ملتزم بودیم حتما با آیت الله بهجت هم دیدار کنیم و از نصایح و پندهای ایشان بهره بگیریم.

دبیرکل حزب الله افزود: در سال ۱۹۸۵ میلادی زمانی که ۲۵ یا ۲۶ سال داشتم به همراه هیأتی از حزب الله از جمله شهید «سیدعباس موسوی» به ایران سفر کردیم و در این سفر از شهر مقدس قم دیدن و برای نخستین بار با آیت الله بهجت این عالم بزرگ دیدار کردم.

سید حسن نصرالله از آیت الله بهجت را پدر معنوی توصیف کرد و گفت: از ویژگی های حزب الله لبنان اطمینان و توکل به خداوند و یقین به نصر الهی است که همواره ایشان به آنها توصیه و تأکید می کردند.

سیدحسن نصرالله اظهار داشت: آیت الله بهجت نیز در همان روزهای اول جنگ (تجاوز تابستان سال ۲۰۰۶ رژیم صهیونیستی علیه لبنان) پیامی دادند و گفتند که حزب الله در این جنگ پیروز می شود.

وی خاطرنشان کرد که اگر معنویت و شناخت نبود، هرگز مقاومت در لبنان ریشه نمی گرفت و در منطقه گسترش نمی یافت.

دبیرکل حزب الله لبنان به بخشی از کرامات آیت الله بهجت اشاره کرد و گفت: ایشان یک بار برای من پیامی دادند و گفتند که روزی دو بار صبح و عصر و هر مرتبه سه بار ذکر(اللهم اجعلنی فی درعک الحصینه التی تجعل فیها من تشاء) را قرائت کنم، ابتدا فکر کردم که این توصیه به دلیل خطر ترور و مشکل امنیتی است، اما چند ماه بعد تجاوز اسرائیل علیه لبنان آغاز شد و آنها هرنقطه ای را که احتمال می دادند من در آنجا هستم، به شدت بمباران کردند، آن زمان بود که علت این پیام را دریافتم. وی تأکید کرد: در شرایط سخت و بحرانی از توصیه ها و نصیحت های ایشان بهره مند می شدیم و به واقع نماد انسان کامل بودند و مراحل سیر و سلوک و عرفان را طی کرده بودند و بیانات ایشان تأثیرات عجیبی داشت.

قرمز سودان است، گفت: «برای عملیات توفان قاطع در یمن تردید نکردیم؛ زیرا وضعیت بد یمن را دنبال می کردیم. وضعیت یمن خطری برای همه منطقه بود؛ زیرا اگر حوثی ها می توانستند در یمن موفق شوند، یمن آخرین ایستگاه آنها نمی بود.»

رئیس جمهور سودان درباره تهران نیز ادعا کرد: «روشن است که ایران پروژه‌های توسعه طلبانه‌ای دارد. ما از این مسئله خبر نداشتیم و از تحركات، طرح‌ها و تلاش آنها برای شیعه کردن مردم کشور اطلاعی نداشتیم. زمانی که به این مسئله پی بردیم، مستقیما برخورد کردیم. ما مشکلات قبیله‌ای و مذهبی دیگر داریم. کشور ما نمی‌تواند مشکلات اضافی را از سوی ایران و سایر کشورها محتمل شود. لذا موضع ما در قبال آن روشن است.»

وی در ادامه ادعاهای خود گفت: «عربستان از حضور و توسعه طلبی آنها (ایران) راضی نبود؛ زیرا حضور آنها در سودان خطری برای ما و منطقه است. ما بعدها درستی این کلام را متوجه شدیم. در واقع بدرفتاری‌ها و نیت آنها این مسئله را نشان داد. از این روی آنها را از کشورمان خارج کردیم.»

... این اعلام موضع در همه مطبوعات منتشر شد!

ادامه دارد...

رخنه دلارهای سعودی به الازهر

شده است.

سفر سلمان به مصر برای جلب نظر عبدالفتاح السیسی، رئیس جمهور مصر در شرایطی است که السیسی پس از روی کار آمدن موضع خود را نسبت به تحولات سوریه تغییر داده است و این نگرانی ریاض را در پی داشت. السیسی همچنین در جنگ یمن و در تنش بین ایران و عربستان سیاست متعادلی در پیش گرفته بود و به همین منظور سفر اخیر بیش از آنکه اقتصادی باشد با اهداف سیاسی انجام شده است تا بار دیگر قاهره را به جگه متحدان اصلی ریاض برگرداند.

تشکیل ناتوی عربی

عربستان که در سال‌های اخیر تلاش کرده یک نیروی نظامی متحد از کشورهای عربی تأسیس کند، بار دیگر اعلام کرد که این اتحاد نظامی به زودی تشکیل خواهد شد. پادشاه عربستان با سخنرانی در پارلمان مصر ضمن تأکید بر لزوم همکاری ریاض و قاهره در مقابله با تروریسم، خبر داد که به‌زودی قوای عربی متحد برای مقابله با تروریسم تشکیل خواهد شد. وی ضمن تأکید بر همکاری و روابط مستحکم میان مصر و عربستان گفت: «همکاری با مصر روند مبارزه با تروریسم را سرعت می‌بخشد.» اظهارات سلمان در حالی است که عربستان خود حامی اصلی تکفیری‌ها در منطقه است و با کمک‌های مالی تروریست‌ها را در مقابل دولت‌های عراق و سوریه تقویت می‌کند.

تقویت سلفی‌گری در مصر

همزمان با سفر پادشاه عربستان به قاهره، عضو هیئت علمای برجسته الازهر مصر از تقویت جریان‌های سلفی در این کشور خبر داد. شیخ احمد کریمه، استاد شریعت دانشگاه الازهر درگفت و گو با رأی الیوم، با تأکید بر اینکه جریان سلفی در زمان حال و آینده تقویت خواهد شد، گفت: «تفکر سلفی در دوره حسنی مبارک فروغی خیره‌کننده داشت که به ضرر الازهر بود تا جایی که حدود ۱۰ شبکه به سلفی‌ها اختصاص داشت تا تفکر وهابی را درسرتاسر کشور تبلیغ کنند. آنچه که در دوره مبارک و سادات روی داد اینک دارد تکرار می‌شود که به تقویت سلفی‌ها در حال و آینده منجر خواهد شد.» این درحالی است که سعودی‌ها در سال‌های اخیر نگرانی خود را از تقویت فعالیت‌های شیعیان در مصر ابراز داشته‌اند.

سعود الفیصل، وزیرخارجه سابق عربستان در ۳۰ می۲۰۱۲ در گزارشی به ولیعهد سعودی از فعالیت‌های عربستان برای مقابله با فعالیت شیعیان در مصر گزارش تهیه کرده و در این گزارش اعلام کرده بود که عربستان از اجتماعات شیعیان در مصر جلوگیری می‌کند. همچنین احمد کاتان، سفیر عربستان در قاهره نیز با مقامات دولتی مصر دیدارهایی انجام داده بود تا آنها را برای مقابله با فعالیت‌های شیعیان متقاعد کند.

بوده و ژنرال برای جبران کسری بودجه کشور! و ادامه حکومت و اخذ رشوه از ارتجاع عرب و امپریالیسم غرب، همه نوع همکاری را با آنها انجام داده و می‌دهد و حتی در این راستا، روابط خود را هم با ایران قطع می‌کند. آیا ایران در دوران حکومت اخوان المسلمین و جبهه اسلامی دکتر ترابی، فرصت‌ها را از دست نداد؟ و آیا کمک‌های **بعدی** ما به ژنرال بشیر!، اشتباه نبود؟ (به قول علمای قدیم: و الله العالم).

برای شناخت ماهیت رژیم ژنرال بشیر، به آخرین دیدگاه وی در رابطه با ایران اشاره می‌کنیم:

... رئیس جمهور سودان، عربستان را «خط قرمز» این کشور خواند و ضمن بیان اینکه حزب الله در ریخته شدن خون مردم سوریه سهیم است!، گفت: روشن است که ایران پروژه‌های توسعه طلبانه‌ای دارد!

ژنرال «عمر البشیر» رئیس جمهور سودان بار دیگر مدعی شد که جمهوری اسلامی ایران اهداف توسعه طلبانه‌ای در «خرطوم» داشته است و به همین دلیل این کشور روابط خود را با تهران قطع کرده است. وی در گفت و گو با روزنامه سعودی «عکاظ» اعلام کرد که سودان روابط قدیمی و برجسته‌ای با عربستان دارد و امنیت این کشور بر امنیت سودان ارجحیت دارد. عمر البشیر با تأکید بر اینکه امنیت «ریاض» خط

دولتی مصر، با شیخ الازهر نیز دیدار کرده است تا بتواند حمایت این نهاد مذهبی را به همراه داشته باشد. به گزارش روزنامه سعودی گازتا، ملک سلمان شنبه شب با حضور در مسجد بزرگ الازهر و علاوه بر نماز گزاردن در این مسجد موافقت خود را با تأسیس شهر تحقیقاتی اسلامی الازهر اعلام کرد. پادشاه عربستان در دیدار با احمد طیب، شیخ الازهر همچنین کار مرمت و توسعه مسجد بزرگ الازهر را با هزینه سعودی اعلام داشت. در این دیدار شیخ الازهر نیز گفت: «عربستان و خواهر بزرگ‌ترش مصر دو ستون خیمه بزرگ منطقه عربی هستند.» شیخ احمد طیب با بیان این‌ مطلب گفت: «سران عربستان و مصر در کنار دیگر برادران خود در دیگر کشورهای عربی، نقش بزرگی در صینات از امت اسلامی و عربی و حفظ وحدت اسلامی دو امت بزرگ برعهده دارند.»

وی که در گفت‌وگو با روزنامه الشرق الاوسط سخن می‌گفت، افزود: «سفر پادشاه سعودی به الازهر، حمایت بزرگی از این مرکز و تلاش‌ها و رسالت معتدل آن است.» اظهارات طیب در تمجید از سعودی‌ها در حالی است که الازهر به‌طور سنتی در چالش با سعودی‌ها است. احمد الطیب در مصاحبه‌ای که در جولای ۲۰۱۰ با الاهرام ویکلی انجام داده بود با انتقاد از سیاست‌های سعودی‌ها، گفته بود در غیاب الازهر، سلفی‌ها و بخش‌های دیگر خارجی در مصر فعال شده‌اند و در کنار وهابیت سعی دارند خلأ را در مصر پر کنند که به گسترش فقه سعودی در مقابل فقه میانه رو منجر شده است.

یازگیری در مقابل ایران

هرچند مقامات مصری و سعودی اهداف این سفر را بیشتر اقتصادی عنوان کرده‌اند ولی به‌نظر می‌رسد سفر ملک سلمان به مصر در این مقطع زمانی دارای ابعاد سیاسی نیز می‌باشد. در حال حاضر، ریاض که به طور بی سابقه‌ای در مناقشات و تنش‌های منطقه‌ای وارد شده و به یکی از ارکان ایجاد ناامنی تبدیل شده به دنبال جلب حمایت‌های بیشتر منطقه‌ای می‌باشد. درگیر شدن عربستان در جنگ یمن، تلاش برای سرنگونی نظام بشار اسد در سوریه و ورود جدی به تنش‌های لبنان و عراق تنها بخشی از سیاست‌های عربستان در چند سال اخیر برای مقابله با نفوذ ایران در منطقه و از بین بردن محور مقاومت است. به همین دلیل است که در طول این سال‌ها، عربستان تلاش کرده حمایت‌های مالی و معنوی کشورهای مختلف را به‌دست آورد و با مرگ ملک عبدالله و روی کار آمدن پادشاه جدید، سیاست ایران‌هراسی و تضعیف منطقه‌ای قدرت تهران به مهم‌ترین سیاست آل سعود تبدیل شده است. حتی ورود به جنگ یمن که هزینه‌های گزافی برای سعودی‌ها در پی داشته است برای مقابله با نفوذ ایران در یمن انجام

بی اساسی را برای اروپایی‌ها و بعضی از رژیم‌های عربی به وجود آوردند و البته اصل نگرانی‌های آنها که مسائل دنیای اسلام را پی گیری می‌کنند از آنجا ناشی می‌شد که آنها اصولاً وحدت و همکاری مسلمانان و بلاد اسلامی را برنمی تابند و برای ادامه سیطره خود و یا حفظ رژیم‌های وابسته (در بلاد عربی) همیشه تلاش کرده اند که به ایجاد اختلاف در بین کشورهای اسلامی بپردازند.

در واقع آتش فتنه‌ای که در آن زمان با تبلیغات سوء دشمنان شعله ور گردید، ارتباط خاصی به موضع سودان نداشت و دیدار آقای رفستجانی بهانه‌ای بیش نبود و آنها به دنبال اهداف خود در مورد مسائل خلیج (فارس) به ویژه مسائل امنیتی و نفتی بودند و این فتنه را برپا کردند و فشار را بر سودان بیشتر کردند تا ما از روش اصولی خود دست برداریم و آنها بتوانند با تغییر ساختار رهبری سودان، به اهداف عنوانی خود برسند... که سرانجام هم رسیدند.

البته دکتر ترابی، «گله‌ها» و «تذکارها»ی خاص دیگری داشت که من همان زمان – یعنی در تاریخ ۶۶/۱۲/۵ – گزارش آن را به وزارت متبوع وقت، ارسال کردم ولی از نوع همکاری و یا کمک و مساعدت بعدی ایران به سودان اطلاعی نیافتیم!... اما عملکرد رژیم ژنرال بشیر، پس از ترابی، نشان داد که حق با ترابی

سفر ملک سلمان، پادشاه عربستان سعودی به مصر و توافقات و قراردادهای این سفر، به شدت در مرکز توجه مطبوعات و رسانه‌های مختلف قرار گرفته است. ملک سلمان که سعی دارد نظر مقامات مصری را به حمایت از سیاست‌های عربستان جلب کند با حضور در مسجد الازهر موافقت خود را با تأسیس شهر تحقیقاتی الازهر با تأمین مالی ریاض اعلام کرد. سلمان همچنین از تشکیل ناتوی عربی با حضور مصر در آینده نزدیک خبر داد و دولت مصر در قبال دریافت دلارهای نفتی از ریاض، جزایر «صنافیر» و «تیران» را به عربستان داده است که واکنش‌های زیادی را در داخل به همراه داشت. همزمان عضو هیئت علمای برجسته الازهر نیز گفت تفکر سلفی در مصر درحال تقویت است.

عربستان که در ماه‌های اخیر تنش با ایران را به بالاترین سطح رسانده برای مقابله با نفوذ ایران به دنبال یازگیری منطقه‌ای است. ملک سلمان، پادشاه عربستان سفر پنج روزه خود به قاهره را انجام داد تا بتواند با کمک‌های به اصطلاح اقتصادی خود نظر مقامات قاهره را جلب کند. در این سفر موافقتنامه‌های سیاسی و اقتصادی زیادی بین دو طرف به ثمر رسیده است. در این سفر یکی از توافقاتی که انجام شده و مخالفت‌های داخلی را در پی داشته، توافق دو کشور برای ترسیم مرزهای دریایی و چشم‌پوشی مصر از دو جزیره تحت حاکمیت خود یعنی تیران و صنافیر خبر است. اگر چه مصر و عربستان سعودی هنوز درباره ماهیت توافق حاصل شده هیچ مطلبی را عنوان نکرده‌اند، اما رسانه‌های مصری از پرداخت سالانه ۲میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار از جانب ریاض به قاهره و سهم ۲۵ درصد از منابع موجود در این جزایر به مصر سخن گفته‌اند. به دنبال این توافق محرمانه، جریان‌ها، گروه‌ها و شخصیت‌های مصری از عملکرد ضعیف دولت و نظام السیسی و توافق وی با ملک سلمان بر سر واگذاری دو جزیره راهبردی مصر به عربستان آن هم بدون کسب نظر پارلمان مصر در این باره موجی از اعتراض‌ها و انتقادها را به راه انداخته‌اند. پرداخت دلارهای نفتی به دولت قاهره، درحالی است که مصر در سال‌های اخیر با مشکلات اقتصادی زیادی روبه‌رو بوده است و نیازمند حمایت‌های اقتصادی ریاض است. این اولین سفر پادشاه عربستان به مصر پس از تکیه زدن بر کرسی قدرت محسوب می‌شود که بر اهمیت این سفر افزوده است.

همزمان با سفر سلمان، دادگاه کیفری قاهره ۱۵ نفر از طرفداران اخوان المسلمین را به جرم آنچه تشکیل یک «شبکه تروریستی» خوانده شد، به حبس ابد محکوم کرد.

رشوه به الازهر

پادشاه عربستان در این سفر علاوه بر دیدار با مقامات

ادامه از صفحه قبل

و سپس با افتتاح پل هوایی به عنوان کمک به قحطی‌زدگان سودان، از سوی بغداد، زمینه‌ها را برای جلب‌نظر دولت و حذف تدریجی ایران و جنبش‌های هوادار ایران از صحنه سودان مساعد ساخت. در قبال اینها، ایران چه نوع کمک قابل ذکری انجام داده است؟ دکتر ترابی افزود: حرکت اسلامی سودان به علت برقراری روابط حسنه با جمهوری اسلامی ایران، از تمام جهات تحت فشار قرار گرفت و این فشارها پس از سفر رئیس جمهوری محترم شیخ علی اکبر هاشمی، تشدید شد و غربی‌ها، همراه با بعضی از کشورهای عربی منطقه، این دیدار دوستانه را بهانه قرار داده و مدعی شدند که به زودی «محور ایران و سودان»، به وجود آمده و پیمانی منعقد خواهد شد که تهدیدی برای امنیت منطقه و بلاد عربی خواهد بود!... البته این ادعا، افسانه‌ای بیش نبود چون هدف ماء، ایجاد یک محور ویژه و یا انعقاد یک پیمان مثلاً نظامی با سودان نبود، بلکه در آن برهه ایران اسلامی، درهای خود را به سوی همهٔ کشورهای عربی و بسیاری از کشورهای اروپایی باز کرده و در واقع صفحه‌ای نوین و عقلاّنی در روابط بین المللی و تعامل با دنیا گشود که در صورت استمرار به نفع همه بود، اما دشمنان ایران و سودان، با تبلیغاتی گسترده و ایجاد جوّ منفی، نگرانی‌های

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سرمدبیر: سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز

تلفکس:۰۲۳۳۱۴۲۳۷۴ صندوق‌پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

انتصاب حجت‌الاسلام

والمسلمین رئیسی به تولیت



آستان قدس رضوی

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در حکمی حجت‌الاسلام سید ابراهیم رئیسی را به تولیت آستان قدس رضوی علیه‌السلام منصوب کردند.

متن حکم رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید ابراهیم رئیسی

دامت بر کاته

اکنون که جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای طبسی رحمة‌الله علیه پس از سالها تلاش مخلصانه و موفق در خدمتگزاری به بارگاه مبارک و منور حضرت علی‌بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء به سرای باقی شتافته و در جوار مضجع شریف آرمیده‌اند، جنابعالی را که خود نشأت‌یافته‌ی آن دیار پر برکت، و برخوردار از صلاح و امانت، و کارآزموده در مدیریت‌های کلان می‌باشید، به تولیت آن آستان نورانی و مقدس منصوب می‌کنم و توجه آن جناب را به نکاتی معطوف می‌دارم:

- ۱- خدمتگزاری آستان قدس رضوی، افتخار معنوی بزرگ و زمینه‌ی بهره‌مندی از روحانیت آن خورشید فروزان و تقرب به ساحت ولایت آن مهر درخشان است. این فرصت کم‌نظیر را مغتنم بشمارید و همه‌ی توش و توان خود را مصروف آن سازید و سرمایه‌های معنوی را که بحمدالله از آن برخوردارید، در پرتو آن افزایش دهید.
- ۲- خدمت به زائران آن بارگاه مقدس بویژه ضعفاء و نیازمندان را از رؤس برنامه‌های خود قرار دهید.
- ۳- خدمت به مجاوران و بویژه مستمندان و مستضعفان وظیفه‌ی دیگری است که شایسته است به آن اهتمام ورزید.
- ۴- آستان قدس ظرفیت فرهنگی عظیمی است که می‌تواند در فضای عمومی کشور و جهان اسلام اثرگذاری کند؛ شایسته است با کمک خبرگان فرهنگی، بیشترین بهره از این ظرفیت کم‌نظیر در ترویج معارف قرآنی و مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام گرفته شود.
- ۵- مجموعه‌ی فضاها و بناهای آستان قدس گنجینه‌ی منحصر به فردی از هنر معماری اسلامی و ظرائف و لطائف علمی و هنری پر مضمون ملت ایران است؛ نگهداری و نگهداری از این موزه‌ی عظیم که در زمان تولیت فقیه به نزدیک ده برابر گذشته ارتقاء یافته از جمله‌ی وظائف بزرگ و شایسته‌ی توجه است.
- ۶- حفاظت از موقوفات و بهره‌گیری بهینه از آن در مصارف خود که متولی فقیه بدان اهتمامی ویژه داشتند و بویژه بهره‌مند ساختن تهیدستان نقاطی از کشور که آن موقوفات در آن قرار دارند، بر حسب گنجایش و قننامه‌ها نیز وظیفه‌ی بزرگ دیگری است.
- ۷- سامان بخشیدن به بنگاههای اقتصادی و خدماتی آستان قدس رضوی و انضباط قانونی آنها نیز باید همواره مد نظر بوده از آن غفلت نشود.

بار دیگر جنابعالی را به استمداد از انوار مقدسه‌ی آن مضجع روحانی که بیشک به توفیق در انجام این وظائف کمک شایانی خواهد کرد و نیز به نکته‌های ۲ و ۳ توصیه می‌کنم و رحمت و مغفرت و رضوان الهی را برای متولی فقیه سعید که در مدیریت و پیشرفت این دستگاه عظیم سعی وافر و خالص مبذول داشتند مسألت می‌نمایم و توفیق جنابعالی و همه خدمتگزاران آن آستان رفیع را همراه با تشکر از زحمات آنان از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم و رحمته‌الله

سید علی خامنه‌ای ۱۷/ اسفند ماه/ ۹۴

غلامرضا رحمانی، مدیر بخش ارتباطات و تبلیغات مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، در گفت‌وگو با (اینا) درباره جدیدترین نرم‌افزار جامع‌الاحادیث نور اظهار کرد: نسخه ۳٫۵ نرم‌افزار جامع‌الاحادیث نور، با ارائه یک‌هزار و ۱۵۳ جلد کتاب از منابع روایی شیعیه به همراه ترجمه و شرح، با به‌روزترین امکانات و قابلیت‌های فنی و پژوهشی، جامع‌ترین دانشنامه حدیثی جهان تشیع بوده که تاکنون موفق به کسب ۶ عنوان برتر از جشنواره بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال، نمایشگاه‌های بین‌المللی قرآن کریم، جشنواره نرم‌افزارهای علوم اسلامی و جشنواره فرهنگی هنری مهر شده است.

وی افزود: این نرم‌افزار که در برگزیده حجم وسیعی از منابع روایی شیعیه از جمله «کتب اربعه»، «وسائل الشیعه»، «مستدرک الوسائل» و «بحارالانوار» است، احادیث را در موضوعاتی همچون اخلاق، ادعیه و زیارات، تاریخ، اهل بیت (علیهم‌السلام)، تفسیر، رجال، طب، فقه، کتب اربعه، کلام و مناقب، به‌صورت دسته‌بندی شده همراه با قابلیت تنظیم دامنه ارائه کرده

در حال حاضر کتابخانه جامع الکترونیکی آستان قدس دارای یک میلیون و ۳۸۰ هزار منبع شامل لوح فشرده حاوی نرم‌افزارهای تخصصی، کتابخانه‌های دیجیتال و کتاب‌های الکترونیکی(E-Book) در موضوعات گوناگون است که غلبه کتب با علوم اسلامی می‌شود. مجید شایان‌مجد، مسئول کتابخانه جامع الکترونیکی آستان قدس رضوی در گفت‌وگو باخبرگزاری بین‌المللی قرآن(ایکنا) از خراسان رضوی، اهداف ایجاد کتابخانه جامع الکترونیکی را از سوی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی در سال ۱۳۹۰، گردآوری، ذخیره‌سازی و سازمان‌دهی اطلاعات در قالب الکترونیکی به منظور همگام شدن با فن‌آوری‌های روز و پیشرفت‌های نوین اطلاع‌رسانی و نیز امکان دسترسی به حجم گسترده‌ای از منابع الکترونیکی برای استفاده اساتید، دانشجویان و محققان دانست.

پاسخگویی به نیازهای متنوع با منابع کتابخانه

وی میانگین ماهانه تعداد مراجعه‌کنندگان به کتابخانه الکترونیکی را هزار و ۲۰۰ نفر اعلام کرد و افزود: این کتابخانه هم‌اکنون با فن‌آوری‌های نوین اطلاع‌رسانی، امکان دسترسی مراجعان به حجم گسترده‌ای از منابع الکترونیکی اعم از کتاب، مقاله، مجله، پایان‌نامه، منابع دیداری و شنیداری و ... را فراهم کرده است. شایان‌مجد با ذکر تعداد منابع موجود در کتابخانه الکترونیکی ابراز کرد: در حال حاضر این کتابخانه دارای یک میلیون و ۳۸۰ هزار منبع شامل لوح فشرده حاوی نرم‌افزارهای تخصصی، کتابخانه‌های دیجیتال و کتاب‌های الکترونیکی(E-Book) در موضوعات گوناگون است که غالب کتب شامل علوم اسلامی می‌شود.

کتابخانه‌هایی در دل یک کتابخانه

وی با تشریح کیفیت این منابع الکترونیکی افزود: اغلب منابع از نمایشگاه‌های گوناگون خریداری شده‌اند که بالغ بر هزار و ۴۰۰ منبع شامل CD DVD MP۳، DVD-ROM می‌شود، همچنین تعدادی کتابخانه الکترونیکی از قبیل کتابخانه‌های دیجیتال امام علی(ع) و دریا به صورت IP بر روی سیستم‌ها قابلیت نمایش را دارد.

مسئول کتابخانه جامع الکترونیکی آستان قدس رضوی با بیان منابع کتابخانه دیجیتال امام علی(ع) عنوان کرد: در مجموع از ۴۰ هزار و ۹۹۸ کتاب به سه زبان فارسی(۱۷ هزار و ۵۰۰ جلد)، عربی(۲۰ هزار و ۸۰۳ جلد) و لاتین(دو هزار و ۶۹۵ جلد) با تمرکز موضوعات اسلامی برخورداریم.

وی با بیان اینکه این کتابخانه دارای نزدیک به ۴۰۰ هزار عنوان کتاب و منبع صوتی و تصویری است، اضافه کرد: همچنین کتابخانه دیجیتال دریا در عناوین متنوع

است.

رحمانی گفت: آثار علما و بزرگانی از جمله ابن‌ادریس، شیخ صدوق، ابن‌شهر آشوب، ابن‌قولویه، سید نعمت‌الله جزائری، راغب اصفهانی، زمخشری، شهید اول، شهید ثانی، شیخ بهایی، شیخ حر عاملی، علامه حلی، فیض کاشانی، شیخ کلینی، علامه مجلسی و محقق کرکی در این نرم‌افزار جمع‌آوری شده است.

مدیر بخش ارتباطات و تبلیغات مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی ادامه داد: جستجوی پیشرفته در متن و عناوین، اتصال کتاب‌های مرتبط به یکدیگر، مشاهده ترجمه‌ها و شروح در کنار متن اصلی، امکان مشابه‌یابی احادیث، قابلیت ارائه اسناد به‌صورت بازسازی شده، جستجو و دسترسی آسان به آیات به‌کار رفته در کتاب‌ها، جستجوی لغت در ۱۹ عنوان لغت‌نامه، انتقال آسان متن به Word و حافظه Clipboard تنها برخی از ابزارهای پژوهشی است که در نرم‌افزار جامع‌الاحادیث در اختیار محققان و پژوهشگران قرار گرفته است.

علوم پایه، فنی و مهندسی و نیز علوم انسانی، هشت هزار و ۸۰۰ منبع لاتین را با فرمت PDF در اختیار مراجعه‌کنندگان قرار داده است.

وی به امکان دسترسی به هزاران منبع دیجیتالی از راه نرم‌افزارهای نصب شده بر روی سیستم‌های کتابخانه الکترونیکی اشاره کرد و گفت: نرم‌افزارهای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، نرم‌افزارهای مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان، نرم‌افزارهای نمایه چهارده معصوم(ع) و نیز نرم‌افزارهایی مانند مکتبه الشاملة و مکتبه اهل‌البیت(ع) از جمله این منابع الکترونیکی هستند.

کتابخانه الکترونیکی؛ یک مکتب برای اهل فضل

شایان‌مجد، به معرفی برخی از این نرم‌افزارها پرداخت و ادامه کرد: نرم‌افزارهای مکتبه الشاملة دارای بیش از ۴۰ هزار کتاب حاوی کتب اهل تسنن و تشیع و نیز مکتبه اهل‌البیت(ع) شامل چهار هزار و ۷۰۰ جد کتاب کتب تخصصی مکتب تشیع به زبان عربی می‌شوند، همچنین نرم‌افزارهای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، منابعی از قبیل علوم اسلامی، تاریخ و جغرافیای جهان اسلام را با فرمت html ارائه می‌دهند.

وی بیان کرد: به دلیل پژوهش‌محوری این بخش، پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی مانند پایگاه ایران‌نمایه(Irannamaye)، بانک اطلاعات نشریات کشور(Magiran) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی(Sid)، پایگاه مقالات همایش‌ها، کنفرانس‌ها و سمینارها(Civilica)، پایگاه مجلات تخصصی نور(Noormags) و پایگاه کتابخانه دیجیتال GigaLib و سمانتک که بیش از ۲۰۰ پایگاه لاتین را تحت پوشش قرار داده، در این کتابخانه اشتراک دارند. مسئول کتابخانه جامع الکترونیکی آستان قدس رضوی درخصوص استفاده از پایان‌نامه‌های الکترونیکی نیز اظهار کرد: دسترسی به پایان‌نامه‌های موجود در تالار محققان کتابخانه آستان قدس رضوی و تعدادی از پایان‌نامه‌های دانشگاه علوم اسلامی رضوی از طریق کتابخانه دیجیتال در کتابخانه جامع الکترونیکی امکان‌پذیر است.

خدمات ارائه شده به مراجعان

وی امکان استفاده از امکاناتی از قبیل ۱۴ سیستم رایانه‌ای، اسکن از صفحات کتب، دانلود مقالات و کتب از پایگاه‌های دارای اشتراک، پربنت مقالات و منابع E-BOOK به هزینه اندک و امکان ذخیره منابع بر روی فلش مموری و لوح فشرده و نیز مدیریت سیستم ارسال بلوتوث کتابخانه آستان قدس رضوی را نمونه‌ای از خدمات ارائه شده در این کتابخانه به مراجعان و اعضا برشمرد.

شایان‌مجد اضافه کرد: اساتید حوزه و دانشگاه،

نسخه جدید نرم‌افزار جامع‌الاحادیث نور به بازار آمد

وی عنوان کرد: معرفی اجمالی کتاب، بررسی ساختار، محتوا و وضعیت آن، اطلاعات نسخه چاپ شده و ارائه اطلاعاتی درباره مؤلفان همچون شرح زندگی، استادان، شاگردان، آثار و احوال آن‌ها در بخش‌های کتابشناسی، نسخه‌شناسی و مؤلف‌شناسی به غنای این نرم‌افزار کمک کرده است.

رحمانی افزود: حجم بالای اطلاعات، کیفیت محتوایی از قبیل اعراب و دقت، عرضه قابلیت‌های مختلف فنی به همراه دیگر مزایای این نرم‌افزار، موجب شده تا این برنامه از سال ۱۳۷۹ تاکنون به‌عنوان مهم‌ترین نرم‌افزار حدیثی مورد استفاده پژوهشگران علوم اسلامی باشد. مدیر بخش ارتباطات و تبلیغات مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی گفت: از ابتدای تاسیس مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، یعنی در حدود ۲۵ سال این نرم‌افزار از «نورالفاظ» تا «نسخه ۳٫۵» در چند مرحله به‌روز شده و ارتقاء یافته است. نسخه تحت وب این نرم‌افزار نیز تولید شده که اکنون در مرحله آزمایشی قرار دارد.

کتابخانه جامع الکترونیکی آستان قدس؛ دارای یش از یک میلیون منبع با صبغه علوم اسلامی

پژوهشگران و دانشجویان و طلاب علوم دینی مقاطع کاردانی، کارشناسی و بالاتر، با ارائه کارت عضویت کتابخانه مرکزی یا کارت شناسایی معتبر و سایر افراد نیز با ارائه معرفی‌نامه از مراکز آموزشی معتبر می‌توانند از امکانات این کتابخانه برخوردار شوند.

وی یادآور شد: کتابخانه جامع الکترونیکی مدیریت سرور بلولینک(نرم‌افزار ارسال بلوتوث) کتابخانه مرکزی آستان قدس را نیز برعهده دارد و علاوه بر آن مراجعان به صورت حضوری می‌توانند با مراجعه به این کتابخانه از کتاب‌ها و نرم‌افزارهای تلفن همراه موجود در آن استفاده کرده و فایل‌ها را بر تلفن همراه خود داشته باشند.

مسئول کتابخانه جامع الکترونیکی آستان قدس رضوی با اعلام ساعات کار کتابخانه گفت: این بخش با کلیه امکانات، همه روزه از ساعت ۷:۱۵ تا ۱۹، بدون وقفه به جز ایام تعطیل پذیرای مراجعه‌کنندگان در محل حرم مطهر رضوی، بست شیخ طوسی، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، طبقه نهایی یک، کتابخانه جامع الکترونیکی است.

«دانشنامه جهان اسلام»

به مجلد بیستم رسید

مجلد بیستم دانشنامه جهان اسلام حاوی بخشی از مقالات حرف «ر» از مدخل «الرشید» تا «رهی معیری» به سرورپرستاری دکتر غلامعلی حداد عادل، مشارکت اعضای علمی بنیاد دایرة المعارف اسلامی و همراهی جمع کثیری از استادان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه، توسط بنیاد دایرة المعارف اسلامی منتشر شد. تعداد مقالات منتشر شده در مجلد بیستم ۲۹۳ مقاله است که ذیل ۲۵۱ مدخل اصلی تدوین شده و ۶۵ مدخل در این مجلد، ارجاعی است. از مجموع مقالات منتشر شده، ۲۹۲ مقاله تالیفی و یک عنوان ترجمه و تلخیص از دایرة المعارف اسلام است.

میانگین تعداد کلمات مقالات در جلد بیستم ۲۱۰۰ کلمه و مجموع کلمات آن بیش از ۶۰۰ هزار کلمه است. برخی از مدخل‌های مقالات مجلد بیستم عبارتند از امام رضا(ع)، رصدخانه، رضا عباسی(موزه)، رضاع، رطل، رفیق حریری، رکن رابع، رکوع، رمز(در ادبیات)، رمضان، رنگ، روم شرقی، رند، رواق، روایت حدیث، روح، روحانیت، روز، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، روزنامه رسمی، روزه، روسیه(مسلمانان)، روشنفکری(در ایران و سایر کشورهای جهان اسلام)، روضه خوانی، رؤیا (در فلسفه و عرفان)، رؤیت هلال، رویه قضایی، رهبانیت، زین العابدین رهنما و رهی معیری.

جلد بیستم دانشنامه جهان اسلام در ۹۱۲ صفحه، به بهای ۷۰ هزار تومان در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.